

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال نوزدهم، دوره جدید، شماره ۴، پیاپی ۸۱ زمستان ۱۳۸۸

## صادرات تنباکوی ایران به مصر بر اساس اسناد تازه یاب (۱۹۱۹-۱۹۰۶)

کریم سلیمانی<sup>۱</sup>

### چکیده

بعد از اعتراض شدید مردم ایران به انحصار تنباکوی ایران به وسیله شرکت انگلیسی تالبوت و لغو امتیاز یاد شده در سال ۱۳۰۹/م ۱۸۹۲، تنباکوی ایران به توسط دو شرکت خارجی خریداری و به خارج از کشور صادر می گشت. بخش عمده تنباکوی ایران توسط "کمپانی انحصار ادخال تنباکو در خاک عثمانی" به کشور عثمانی صادر می شد. در سال ۱۸۹۴ میلادی/۱۳۱۲ قمری دولت ایران انحصار صادرات تنباکو به مصر را به یک تبعه این کشور به نام خلیل پاشا خیاط واگذار نمود. قرار بر این شد، خلیل خیاط فعالیت تجاری خود را از سال ۱۸۹۷ شروع نماید. به این ترتیب بخش دیگری از تنباکوی ایران برای مدت بیست و دو سال (۱۹۱۹-۱۸۹۷) به کشور مصر صادر گردید. در حالیکه ده سال نخست (۱۹۰۶-۱۸۹۷) این تجارت در طی یک مقاله مستقل مورد تحقیق

---

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی. (Shahid Beheshti University, G.C.)

[Soleimany\\_k@yahoo.com](mailto:Soleimany_k@yahoo.com)

این پژوهش در چهارچوب یک قرارداد پژوهشی با معاونت محترم پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است.

تاریخ تصویب: ۸۸/۷/۴

تاریخ دریافت: ۸۸/۱/۱۷

قرار گرفت، در ضمن مقاله پیشرو به بخش دوم صادرات تنباکوی ایران به مصر در سال های بعد از پیروزی انقلاب مشروطه تا سال ۱۳۳۷/۱۹۱۹ می پردازد.

پرسش اصلی پژوهش حاضر مربوط می شود به میزان کارآمدی وزارت خانه ها و نهادهای دولت های عصر مشروطیت در اداره و نیز تأمین منافع عمومی جامعه که می بایست از پرتوی این تجارت نصیب دولت ایران می شد. در تجارت یاد شده اگر چه طرف مصری از سود بیشتری بهره می برد و سهم دولت ایران را با اکراه و در واقع تحت فشار تشکیلات قضایی در مصر می پرداخت، دولت های عصر مشروطه، در مقایسه با دولت های پیشین، در برخورد با خلیل خیاط جدی تر و با کفایت بیشتری عمل کردند.

**واژه های کلیدی:** تنباکو، ایران، انقلاب مشروطه ایران، مصر، خلیل

پاشا خیاط

#### مقدمه

چنانچه در قسمت نخست این تحقیق آمد، توتون و تنباکو نقش بسیار مهمی در معیشت و زندگی اجتماعی ایرانیان داشته و صدها هزار نفر از قَبَلِ کِشت و تجارت آن ارتزاق می کرده اند، "شاید بتوان گفت که در سده ۱۹ تنباکو مهم ترین کشت صنعتی ایران بشمار بود." (هما ناطق ۱۳۷۳: ۷۳) بنا بر ارزیابی آنتوان کتابچی خان رئیس گمرکات ایران در سال ۱۳۰۸ تعداد ۲ میلیون نفر از ایرانیان در کار دودکشی توتون و تنباکو بوده اند. (همان: ۷۵)

تجارت تنباکو در سال های بعد از پیروزی انقلاب مشروطه یکی از کالاهای مهم صادراتی ایران به شمار می رفته است. مقاله حاضر، با توجه به اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران و نیز مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران که تا کنون در هیچ یک از منابع مربوط به تاریخ اقتصادی و اجتماعی عصر مشروطیت مورد استفاده قرار نگرفته است، به تجارت تنباکوی ایران با مصر در میان

سال های ۱۹۱۹-۱۹۰۶ می پردازد. صادرات تنباکوی ایران به مصر در واقع در چهارچوب قرارداد ۲۲ ساله ای که میان دولت ایران و خلیل خیاط پاشا، تبعه ی کشور مصر، در اواخر سال ۱۸۹۴ منعقد گردید، صورت گرفت. ده سال نخست (۱۸۹۷-۱۹۰۶) این تجارت در قالب یک مقاله ی مستقل مورد بررسی قرار گرفته است. مقاله حاضر بخش دوم تجارت تنباکو به مصر، در طی سال های بعد از انقلاب مشروطه را مورد مذاقه قرار می دهد.

خلیل خیاط در سال های بعد از انقلاب مشروطه، همانند سال های پیش از آن، از پرداخت حقوق دولت ایران به شدت خوداری می ورزید. در حالیکه این مسئله بارها منجر به مکاتبات پی در پی میان وزارت خارجه، مالیه، گمرک و کنسولگری ایران در مصر گردید، ولی بطور شگفت آوری دعوای دولت ایران با خلیل خیاط به مجلس شورای ملی راه نبرد. این تجارت مشاجره انگیز نه تنها در مذاکرات مجلس شورای ملی از دوره اول تا پایان دوره چهارم، بلکه در مطبوعات آن دوره کمترین انعکاسی نیافت. بنابراین منابع اصلی ما در نگارش بخش دوم صادرات تنباکوی ایران به مصر، همانند بخش نخست آن، اسناد تازه یابی است که به طور عمده از بایگانی های وزارت امور خارجه ایران و نیز سازمان اسناد ایران استخراج شده است.

### از انقلاب مشروطه تا بمباران مجلس شورای ملی

در آستانه انقلاب مشروطیت، ایران در التهاب پیدایش دوره ی جدید به سر می برد. سراسر کشور را شور سیاسی فرا گرفته بود. مشروطه خواهان شدیداً در پی گرفتن فرمان مشروطیت بودند و اجزای دولت صرفاً در صدد حفظ نظام پادشاهی سنتی بودند. بنابراین در اوضاع آشفته موجود هر گروهی در پی اهداف سیاسی خود بود و شاید کمتر کسی در اندیشه امور مربوط به تجارت تنباکوی ایران و مصر بوده است. بررسی اسناد این دوره از صادرات تنباکوی ایران به مصر مؤید نظر بالا است.

منابع منتشر شده ابدأ راجع به تجارت تنباکوی ایران با مصر جز چند کلمه اشاره ای ندارند، اسناد موجود نیز از پایان سال ۱۳۲۰ تا آغاز ماه جمادی الاول سال ۱۳۲۴ سکوت کرده و چنانچه این اسناد هنوز موجود بوده و مفقود نشده باشد، بدست نگارنده نرسیده است.

اسناد سال ۱۳۲۴ق نشان می دهد، مستنصرالسلطنه دیگر و کالت سیاسی ایران در مصر را به عهده ندارد. بجای نامبرده، امضای علی اصغر خان بقاءالسلطنه در پای گزارش های دفتر نمایندگی ایران در مصر دیده می شود. بقاءالسلطنه برادر میرزا رضا خان ارفع الدوله سفیر کبیر ایران در اسلامبول است. (میرزا ابراهیم شیبانی، ۱۳۶۶: ۳۶۵) در این سال مسئولیت کنسولگری ایران در اسکندریه، نیز به عهده مهران خان فخرالوزاره است. (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۵-۹-۲۹-۱۳۲۴ق، سند: ۴جمادی الاول ۱۳۲۴ و نیز، ۲۷-۷-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: نمره ۲)

از اسناد سال ۱۳۲۴ق چنین فهمیده می شود که خلیل خیاط بعد از تسویه حساب سال ۱۳۲۰ق، دیگر به ایران پولی نپرداخته است. روش او در ارتباط با پرداخت سهم دولت ایران، پشت گوش انداختن و در نهایت به زور و اجبار حکم دادگاه تن دادن به تسویه حساب بوده است. براساس اعلام نوز وزیر گمرکات، خلیل خیاط چهار هزار لیره به دولت ایران بدهکار است (همانجا، ۵-۹-۲۹-۱۳۲۴ق سند: نمره ۱۰۴) این مشکل قدیمی و مستمر با خلیل پاشا نیز در نامه ۴جمادی الاول ۱۳۲۴ علی اصغر خان بقاءالسلطنه به سفارت کبرای ایران در اسلامبول انعکاس یافته است. نامبرده که ساکن اسکندریه است، در پرداخت بدهی چهار هزار لیره ای خود چنان وقت گذرانی می کند که دیگر به نامه های علی اصغر خان هم پاسخ نمی دهد. (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۸۱۵۹، ۲۴۰۰۱۸۱۵۹/۵۰۷/۲۴۰۰۱۸۱۵۹، سند: نمره ۶۶)

به فخرالوزاره کنسول دولت ایران در اسکندریه دستور داده می شود، خلیل خیاط را ملاقات کرده و درباره ی طلب ایران با او مذاکره نماید. بعد از اینکه خلیل خیاط به سختی به او وقت ملاقات می دهد، قرار براین می شود که بدهی خود را در ۱۴ جمادی الاول ۱۳۲۴ بپردازد (همانجا، همان سند)

بیان بقاءالسلطنه در مورد این احتمال که چنانچه خلیل خیاط باز هم دفع الوقت کرد حکایت از ضعف و بهم ریختگی نظام سیاسی و اداری کشور دارد: "تا بینم خلیل خیاط در سر قول خود خواهد ایستاد و یا اگر نکول خواهد کرد آنوقت در دست چاکر نه سندی و نه عین مقاوله نامه نیست که به موجب همان سند به توسط آوکا (وکیل) بتواند مال او را در گمرک ضبط نماید. (همانجا، همان سند)

اصرار خلیل خیاط در بی توجهی به اعتراضات مسئولین ایرانی سبب شد سفارت ایران در اسلامبول راه چاره را در یک تهدید جدی ببیند. بنابراین از نوز می خواهد<sup>۱</sup> از طهران مستقیماً به خلیل خیاط تلگراف بکند که اگر چهار هزار لیره را تا بیست و چهار ساعت به بانک عثمانی ادا ننماید، به گمرکخانه بوشهر تلگراف خواهد کرد که هر چه تنباکو به اسم خلیل خیاط به آنجا داده بشود در مقابل طلب دولت ضبط خواهد شد.<sup>۱</sup> (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۵-۹-۲۹-۱۳۲۴ق، سند: ۴ جمادی الاول ۱۳۲۴، نمره ۱۰۴)

مقامات ایرانی که به تهدید خلیل خیاط دل بسته بودند، با پاسخ سرد و مأیوس کننده وی مواجه شدند: "از این خلیل خیاط چنانکه مشاهده می فرمایید فایده نبوده پول نمی دهد. جناب مسیو نوز هم که سابقاً تلگراف کرده بود تنباکوهای او را توقیف نمایند، خلیل می گوید که دولت به من تلگراف کرده با سفارت کار نداشته باشید بنابراین سفارت حق مداخله نداشته و نخواهد داشت." (همانجا، ۱-۸-۲۹-۱۳۲۴ق، سند: ۲ جمادی الثانی ۱۳۲۴، نمره ۱۱۵)

از محرم سال ۱۳۲۶ دولت ایران به ریاست حسین قلی خان نظام السلطنه، که خود علاوه بر صدارت، وزارت مالیه را نیز به عهده داشت (بامداد، ۱۳۷۱: ۱/۴۵۵)، به طور جدی پیگیر مسئله رژی مصر می شود. (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۸۱۵۹-۵۰۷/۲۴۰۰-۱۲۱-۱۳۲۶، سند: ۹ محرم ۱۳۲۶ نمره ۳۹۳)

گزارشی که احتمالاً مرنارد<sup>۲</sup> در خصوص رژی مصر و اسلامبول برای نظام السلطنه تهیه نموده بسیار تکان دهنده است، زیرا او که مدیرکل گمرکات کشور است از همه امور مربوط به این دو رژی، که عمده‌ی تجارت تنباکوی ایران را در اختیار خود داشتند، اظهار بی اطلاعی می کند: "چون سواد کنترات این امتیازات را ندارم نمی توانم مقداری را که از این بابت به دولت برسد معلوم و عرض نمایم" وی در ادامه‌ی گزارش خود اضافه می کند، هر یک از این دو شرکت در دو سال گذشته مبالغی را پرداخته اند و "لیکن این بنده نمی دانم که مطابق قرارداد بوده و معادل است با آنچه که در امتیاز نامه معین شده است یا نه." (همانجا، سند: 16.2.1908) کنسول ایران در

۱. این مشورتی بود که سفارت ایران در اسلامبول از رئیس شرکت تنباکوی اسلامبول دریافت کرده و به نوز ابلاغ کرد.

۲. مرنارد بلژیکی از سال ۱۹۰۷ بعد از برکناری نوز به خدمت خزانه داری کل درمی آید (ویلهم لیتن ۱۳۶۷: ۱۸۵)

اسکندریه در گزارشی برای مسئولین خود در تهران، که از او تقاضای پیگیری قسط های به تأخیر افتاده را داشتند، در این حد اکتفا می کند، که خلیل خیاط هم چنان امروز به فردا کرده و پول نمی دهد.

در ادامه به تفصیل به مطلبی می پردازد که منافع دولت و مردم ایران را از منظر نماینده‌ی سیاسی ایران در قاهره مشخص می نماید. نقل قولی که در ذیل می آید، از دو جهت حائز اهمیت است؛ ۱- خونسردی و عدم درک صحیح یک مأمور دولت ایران از منافع ملی ۲- ارائه نمایش سیاسی در خارج از کشور به منظور کسب وجهه مناسب برای نظام مستقر در ایران: "روز یکشنبه ۲۲ شهر حال (ماه مارس ۱۹۰۸) که عید نوروز بود بنده در قاهره از تمام معتبرین ایرانی و اروپایی و از اهالی بومی پذیرائی کرده و چون محل کارپردازی گنجایش این چنین پذیرائی رسمی را نداشت لهذا محل آنرا در گراند کنتی نانتال هتل (هتل) که یکی از بهترین هتلهای شهر است و جناب اشرف ارفع الدوله (سفیر ایران در اسلامبول) هم در این اواخر در همانجا از الاحضرت خدیو پذیرائی کردند، قرار داده و سر در هتل را قبل از وقت با بیرق ایران مزین کرده و این پذیرائی در میان تمام مردم شهرتی پیدا کرده و بعضی اوراق روزنامه های القاهره را که در این موضوع است لفاً به حضور محترم ارسال داشت." (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۲۴-۲-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: ۲۶ مارس ۱۹۰۸)

در ماه های قبل از بمباران مجلس شورای ملی، میرزا حسین خان مؤتمن الملک (پیرنیا) که در کابینه‌ی نظام السلطنه وزیر تجارت بود (بامداد، ۱۳۷۱: ۱/۳۸۸)، با جدیت بیشتر از دیگران خواستار روشن شدن وضعیت نابسامان رژی مصر و عثمانی می شود. چنانچه رشته امور به وسیله کودتای محمد علی شاه از هم گسست، یقیناً خلیل خیاط دیگر نمی توانست آن چنانکه تا پیش از این مسئولین کم کفایت ایرانی را به بازی می گرفت، با مؤتمن الملک نیز به همان شیوه رفتار کند.

بنابراین وزیر تجارت به "معتد السلطان مسیو مرنارد" تأکید می کند تمام اسناد و مدارک مربوط به دو شرکت تنباکوی اسلامبول و مصر را برای او ارسال دارد تا حساب آن ها را در پنج سال اخیر یعنی از ۱۳۲۰/۱۹۰۳ق به بعد، مورد بررسی دقیق قرار دهد. (سازمان اسناد ملی ایران،

۱۸۱۵۹/۲۴۰۷/۵۰۷-۱۳۲۹ هـ. آ. آ، سند: ۱۱ صفر ۱۳۲۹ نمره ۶۵۷)

مؤتمن الملک در باره‌ی پرداخت حقوق سالیانه به دولت ایران از بابت امتیاز رژی اسلامبول از مرنارد استعلام می‌کند. چون این پرسش و پاسخ از یک جهت در درک دلایل تغییر قرارداد رژی مصر نیز به کار می‌آید، و از طرف دیگر به ما کمک می‌کند تا میزان عصبانیت وزیر تجارت را از غفلتی که در قبال مسئله‌ی تنباکو صورت گرفته، بفهمیم، بنابراین بخشی از نامه (۲۵ صفر ۱۳۲۶) او را به مرنارد، که توأم با یک لحن آمرانه است، می‌آوریم.

بر اساس قرارداد ۲۵ آوریل ۱۸۹۵ رژی اسلامبول می‌بایست سالانه شش هزار لیره عثمانی به دولت ایران می‌پرداخت، و چون پرداخت‌های این شرکت همانند رژی مصر بی‌نظم و در این ایام مسئولین ایرانی از ساز و کار حقوقی مربوط به صادرات تنباکوی ایران اطلاعات اندکی داشتند، وزیر تجارت از مرنارد می‌خواهد او را در چند و چون این امر قرار دهد: "به‌استاتیک اداره‌ی گمرک رجوع شود که معین گردد هر ساله به اسم انجمن تنباکوی اسلامبول چه مقدار تنباکو از خاک ایران خارج شده، این است که اکیداً به شما زحمت می‌دهم صورت این مسئله را برای من بفرستید" تا "حساب رژی اسلامبول معلوم شود. علاوه بر این چندی قبل نوشته بودم که در باب رژی اسلامبول و مصر بعضی تحقیقات نمائید و صورت تحقیقات خودتان را برای من بفرستید هنوز جوابی نداده‌اید. البته در این خصوص هم همانطور که نوشته‌ام تحقیق کرده مرا مستحضر نمایید." (همانجا، سند: نمره ۷۸۰)

پاسخ مرنارد در ارتباط با پرداخت حق امتیاز سالیانه شش هزار لیره عثمانی به دولت ایران نکته‌ی مبهم در مسئله رژی عثمانی و نیز رژی مصر را روشن می‌کند: "گمان بنده این است در این مسئله اشتباه شده است و در مواد قرارداد ۱۸۹۵ بعداً تغییرات داده‌اند. درست است که مطابق قرارداد اول رژی اسلامبول می‌بایستی همه ساله معادل شش هزار لیره به دولت ایران پردازد ولی از چند سال به این طرف وجهی که رژی پرداخته است از روی میزان عدّه کیلو گرام تنباکو محسوب شده است." (همانجا، سند: 1.4.1908)

حق با مرنارد است، تغییر قرارداد اصلی امری بود که شامل قرارداد رژی مصر نیز شد. احتمالاً ایجاد تغییرات مشابه در قراردادهای دو رژی امری تصادفی نبوده، که شاید کاملاً هماهنگ شده بوده است. قرارداد ۱۴ نوامبر ۱۸۹۴ با خلیل خیاط را از طریق قرارداد الحاقی ۲۷ دسامبر ۱۸۹۸ به

وضعیتی در آوردند که مرنارد در ارتباط با رژی اسلامبول توضیح داد. به این موضوع در جای دیگر خواهیم پرداخت.

آخرین سند از اسناد پیش از بمباران مجلس شورای ملی حکایت از تلاش بیهوده فخرالوزاره کنسول ایران در اسکندریه در متقاعد کردن خلیل خیاط به پرداخت بدهی خود دارد. خیاط نه وقت ملاقات به کنسول ایران می دهد و نه به نامه های "سفارشی" او پاسخ می دهد. (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۷-۲-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: ۲۲ آوریل ۱۹۰۸)

در میان اسناد این دوره سه نامه از یک تاجر ایرانی مقیم اسکندریه وجود دارد که به منظور پی بردن به درک یک تاجر ایرانی از منافع ملی، که این امر به نوبه خود تا اندازه زیادی حاصل عصر مشروطیت است، و مقایسه آن با میزان وفاداری مأموران رسمی دولت نسبت به منافع مردم شان حائز اهمیت است.

محمد علی دشتی از تجار خوشنام آن دوران بوده و احساس مسئولیتی که در نامه های او موج می زند، نشان می دهد نسبت به آن هایی که پول دولت ایران را می گیرند تا در ممالک دیگر حافظ منافع دولت و مردم ایران باشند، که نیستند و خاصه خرجی های خود را برای رؤسای خود در تهران با کمال افتخار گزارش می کنند (همانجا، ۲۴-۲-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: ۲۶ مارس ۱۹۰۸) به مراتب درک روشن تری از منافع ملی مردم سرزمین خود دارد.

هر سه نامه محمد علی دشتی خطاب به وزیر خارجه ایران نوشته شده است.<sup>۱</sup> در یکی از این نامه ها از اینکه مشیرالدوله به نامه او پاسخ داده است، احساس مسرت بسیار کرده و اوضاع نابسامان ایرانیان مقیم مصر را برای وی توضیح می دهد. او از بی توجهی مسئولین سیاسی ایران در مصر که باید حافظ منافع ایرانیان مقیم آنجا باشند، شکایت کرده و اضافه می کند آنان به حال خود رها شده تا جور و ستم مأمورین دولت مصر تقدیرشان را مقدر نماید. (همانجا، ۱۶-۲-۷۹-۱۳۲۶ق)

مطلب دیگر دشتی درباره ی وضع مالی خلیل خیاط است. براساس گزارش نامبرده خلیل خیاط در معامله بورس یک صد و سی هزار لیره انگلیس بدهی بالا آورده و قادر به انجام تعهدات

۱. میرزا حسن خان مشیرالدوله (پیرنیا) در کابینه های حسین قلی خان نظام السلطنه در ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ق وزیر خارجه بود. (بامداد):



مالی خود در قبال مردم و دولت مصر نیست و طبیعی است در موقعیتی که او قرار دارد، نمی تواند اقساط خود را به دولت ایران بپردازد. (همانجا، ۱۵-۲-۷۹-۱۳۲۶ق)

محمد علی دشتی در پایان از مشیرالدوله وزیر خارجه ایران تقاضا دارد، امتیاز خلیل خیاط به او واگذار شود. اگر چه به خواست وی پاسخ مناسبی داده نمی شود، ولی او تقاضای خود را با چنان شوری مطرح می کند که حکایت از روح وطن دوستی ناشی از انقلاب مشروطیت دارد: "...حقیر این امتیاز را می خواهم، هر ساله مقرری چهار هزار لیره انگلیزی بخرینه (بخزانه) دولت خدمت می کنم. ایرانی هستم اولاتر از دیگران در روز تنگ، حقیر به درد دولت می رسم نه دیگران هرگاه اجنبی از روی صعوبت بدهد حقیر در کمال سهولت بندگی می نمایم و از روی شفقت می دهم. بعد از گرفتن امتیاز از روی اصول و قوانین جاریه چهار هزار لیره انگلیزی بواسطه بنکی از بنوک (بانکی از بانک ها) می فرستم پیش ازین (که) به کاری اقدام نمایم باید امتیاز را نوعی (که) به خلیل خیاط داده شد به حقیر بدهند." (همانجا، ۹-۲-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: ۹ آوریل ۱۹۰۸)

متأسفانه دولت ایران ترجیح می دهد تجارت جنجالی تنباکو با مصر را از طریق خلیل خیاط ادامه داده و هیچ گونه پاسخ مناسبی به پیشنهاد محمد علی دشتی نمی دهد.

در همین سال ارفع الدوله، حاج میرزا موسی خان مفخم الملک را برای رسیدگی به حساب های عقب افتاده خلیل خیاط به اسکندریه اعزام می کند. مفخم الملک از کارمندان با سابقه ی وزارت خارجه بود و در این ایام سمت ریاست دفتر سفارت ایران در اسلامبول را به عهده داشت. (رجال وزارت خارجه ۱۳۶۵: ۲۱۲)

مفخم الملک در اسکندریه مباحث جدی و طولانی با خلیل خیاط داشته و گزارش هایی که از آن گفتگوها به دست ما رسیده است، به هشت مورد می رسد. از این گزارش ها، "نمره ۱" آنها مفصل و شامل پنج صفحه است، بقیه هر کدام یک صفحه ای هستند. تاریخی که به روی کلیه این گزارش ها خورده است "۲۴ شهر رمضان ۱۳۲۶" می باشد. قطعاً تاریخ تهیه این گزارش ها پیش از بمباران مجلس شورای ملی (۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶) بوده است. زیرا اسناد موجود نشان می دهد، که در دوره ی یک ساله ی استبداد صغیر که مملکت توأم با آشوب بوده، تجارت تنباکو اگر کاملاً تعطیل نشده، ولی به حداقل می رسد. به همین دلیل صاحبان رژی عثمانی و مصر بعد از عزل

محمدعلی شاه از دولت ایران ادعای خسارت کرده و شدیداً معترض هستند. حال آنکه در گزارش‌های مفخم‌الملک هیچ انعکاسی از مشکلات تجارت تنباکو در دوره‌ی استبداد صغیر مشاهده نمی‌شود.

خلیل خیاط در مذاکرات خود با مفخم‌الملک به چند موضوع اشاره می‌کند:

۱- "در سال ۱۸۹۷ با اولیای دولت علیه به مدت بیست و دو سال کنتراتی بسته ام که ادخال تنباکوی ایران به مصر با من بود و در مقابل این هر سال مبلغ پنج هزار لیره انگلیس به دولت علیه ایران بدهم. بعد از بستن کنترات که از اول ماه ژولیه ۱۸۹۷<sup>۱</sup> است دولت علیه به موجب ماده‌ی سوم کنترات مزبور که عبارت از این باشد (اگر چه کنترات ما از تاریخ ۱۸۹۷ شروع خواهد شد اما دولت ایران حق دارد که از اول ماه ژانویه ۱۸۹۵ از بابت حق سنوی خود از خلیل خیاط پول بگیرد)"

خلیل خیاط اضافه می‌کند، از ۱۴ ژانویه ۱۸۹۵ تا ۹ ژون ۱۸۹۶ مبلغ ده هزار لیره از طریق دو بانک "اوتمان" و "کره دی لیونه" به دولت ایران پرداخت نموده است. (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۳۲-۷-۷۹-۱۳۲۶ق)

بنابراین تا پایان سال ۱۸۹۶ خلیل خیاط مبلغ ۱۰۰۰۰ لیره انگلیس به دولت ایران پرداخته است.

۲- در سال ۱۸۹۷ که سال آغاز صادرات تنباکوی ایران به مصر بود، بنا به زعم خلیل خیاط و گزارش مفخم‌الملک، او "ملاحظه کرده که صرفیات تنباکو در مصر آنقدر نیست که سالی پنجهزار لیره مقرر را بدهد و اگر به کنترات مزبور دوام و رفتار نماید خیلی متضرر خواهد شد." بنابراین سفارت ایران در اسلامبول را به ایجاد تعدیل در قرارداد ۱۸۹۴ متقاعد می‌کند. سفارت ایران به وکیل حقوقی خود "مسیو بارووسی" با اختیارات تام مأموریت می‌دهد، قرارداد ۱۸۹۴ را تعدیل نماید. وی به شرط "گرفتن یک مبلغ پیشکشی از خلیل پاشا که عبارت از هفت هزار و پانصد لیره باشد" یک قرارداد الحاقی برای قرارداد فوق تنظیم نمود.

۱. در سند ۱۹۰۷ قید شده که قطعاً اشتباه است.

مطابق با قرارداد الحاقی خلیل خیاط، در عوض سالی ۵۰۰۰ لیره، به ازای هر حقه تنباکوی صادر شده به مصر باید ۴۵ پاره طلا به دولت ایران به پردازد. علاوه بر آن طرف مصری موظف شد، در آغاز هر سال ۳۰۰۰ لیره به عنوان امانت در نزد دولت ایران قرار دهد، چنانچه در پایان سال مالی و بعد از محاسبه تنباکوی تحویلی به خلیل خیاط بر اساس هر حقه ۴۵ پاره طلا، دولت ایران طلبکار شد نامبره بدهی خود را به دولت ایران پردازد و در صورت طلبکار شدن خلیل خیاط، او طلب خود را خواهد گرفت. ضمناً او باید ۳۰۰۰ لیره "برسم دپو از بابت سال آینده کارسازی نماید." (همانجا، ۳۱-۷-۷۹-۱۳۲۶ق)

بنابراین خلیل خیاط ۷۵۰۰ لیره "برسم پیشکشی" و مطابق با قرارداد الحاقی ۲۷ دسامبر ۱۸۹۸، ۳۰۰۰ لیره "بعنوان دپو" برای سال مالی ۱۸۹۸، که از ماه ژوئیه شروع می شد، به دولت ایران پرداخت کرد. خلیل خیاط در توجیه دلایل پرداخت مبلغ فوق با زیرکی تمام از نظام واژگانی استفاده می کند که گویی مبلغ ۱۰۵۰۰ لیره را خارج از یک چهارچوب حقوقی توافق شده و صرفاً بر اساس مناسبات شخصی پرداخته است: "اینوجه را خلیل خیاط می گوید که مفت نداد ه ام بلکه بر حسب خواهش اولیای دولت علیه که پول لازم داشتند برسم پیشکشی داده ام که از بابت سنوات آتیه حساب نمایم." (همانجا، همان سند) بدین ترتیب کل پرداختی خلیل خیاط به دولت ایران در طی سه سال و نیم، یعنی از آغاز سال ۱۸۹۵ تا اول ژوئیه ۱۸۹۸، جمعاً ۲۰۵۰۰ لیره انگلیس می شود.

۳- نتیجه گیری و جمع بندی خلیل خیاط به منظور حل مشکل موجود جالب توجه است. وی با به فراموشی سپردن توافقی که با مستنصرالسلطنه در سال ۱۳۲۰ق داشت، پیشنهاد جدیدی ارائه می دهد: "چون کنترات اولی ما که عبارت از تاریخ ۱۸۹۷ باشد فقط یکسال دوام کرده و بعد به کنترات لاحق تبدیل و قرار چهل پنج پاره شده است در این صورت به موجب کنترات اول از اول سال ۱۸۹۷ تا آخر سال مزبور پنجهزار لیره حق یکساله دولت علیه ایران شده بعد از تنزیل این پنجهزار لیره از آن بیست هزار و پانصد لیره که داده ام پانزده هزار و پانصد لیره طلب من از دولت می شود." (همانجا، همان سند)

خلیل خیاط با این مقدمه چینی که سهم دولت ایران را برای سال های ۱۸۹۸ تا سال ۱۹۰۲، براساس قرارداد الحاقی در ازای هر حقه چهل و پنج پاره پرداخت نموده و اختلافی نیست، سعی می کند پیشنهاد جدید خود را به دولت ایران تحمیل کند: "حالا (۱۳۲۶ق) از مدت ختام کنترات هم یازده سال مانده است. چون حقوق سنوی دولت علیه ایران هم از قرار چهل پنج پاره منتها سالی قریب دو هزار و یا دوهزار و پانصد لیره می شود باید آن پانزده هزار و پانصد لیره که طلب من از دولت است، از حقوق سنوی دولت هر سال مبلغی کسر بشود که طلب من برسد تا در خصوص تادیه آن طلب من قراری داده نشده، بعد از این یک پول نخواهم داد." (همانجا، همان سند)

خلیل خیاط برای به نتیجه رساندن خواست خود تا مقابله با دولت ایران و تفویض تصمیم گیری درباره دعوی مورد بحث به حکمیت ایستاده و مقاومت ورزید. او بیش از پنج سال بود که به دولت ایران یک لیره هم نپرداخته و در آستانه ی مذاکراتش با میرزا موسی خان مفخم الملک پذیرفت به دولت ایران ۴۰۰۰ لیره، آن هم "محض انسانیت" و نه محض رعایت مفاد قراردادش با این دولت، پردازد. (همانجا، همان سند)

جای تعجب بسیار است که چرا با وجود این تخلف آشکار توسط خلیل خیاط از بند چهارم از قرارداد ۱۴ نوامبر ۱۸۹۴ (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۵۵/۲۴۰۲/۳۰۵فآ۱) دولت ایران در فسخ قرارداد هیچگونه اقدامی از خود نشان نداد. این در حالی است که یک تاجر ایرانی معتبر مقیم اسکندریه حاضر بود در صورت فسخ قرارداد خلیل خیاط، با شرایطی به مراتب بهتر با دولت ایران قرارداد خرید تنباکو را منعقد نماید. (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۹-۲-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: ۹ آوریل ۱۹۰۸)

باور کردنی نیست که یک دولت تا این اندازه به زیان خود عمل کرده و تحقیر را از جانب، نه یک دولت مقتدر، بلکه از جانب یک شهروند کشوری بپذیرد که در آن روزگار در زمره ی دولت های صاحب نفوذ در ایران به حساب نمی آمد.

پاسخ مفخم الملک به خلیل خیاط اگرچه کامل نیست ولی قانع کننده است:

"اگر چه کنترات مزبور (۱۸۹۴) از تاریخ اول ماه ژوئیه ۱۸۹۷ مجری خواهد شد، ولی چنانچه در ماده سیم کنترات مزبور مندرج است، از تاریخ اول ژانویه ۱۸۹۵ شروع به گرفتن پول از خلیل خیاط شده و در تاریخ اول ماه ژوئیه ۱۸۹۸ این قرارداد سالی پنجهزار لیره دادن مبدل به تادیه چهل و پنج پاره به هر حقه شده است. از اول ژانویه ۱۸۹۵ تا اول ژوئیه ۱۸۹۸ سه سال و نیم می شود به اعتبار و دلیل اینکه چون از تاریخ ۱۸۹۵ شروع به تحصیل پول گردیده و از این تاریخ باید حساب بشود از قرار سالی پنجهزار لیره باید هفده هزار و پانصد لیره خلیل خیاط حق این سه سال و نیم را به دولت علیه بدهد و این بیست هزار و پانصد لیره که خلیل خیاط از تاریخ ۱۸۹۵ تا ۱۸۹۸ داده هفده هزار و پانصد لیره آن باید از بابت همان حقوق سه سال و نیم دولت محسوب باشد و سه هزار لیره اش هم همان وجه دپو است که در کنترات لاحق شرط شده است و آلا اگر خلیل خیاط به دولت علیه بدهکار نمی شد چرا دو سال پیش از موعد اجرای کنترات به دولت علیه پول می داد در این صورت آن مبلغ تا آن تاریخ قرض خلیل خیاط بوده که به دولت علیه داده است." (همانجا، ۳۲-۷-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: ۲۴رمضان۱۳۲۶)

گزارش مفخم الملک با دو نوع بیان تهیه شده است. نقل قول بالا بیان نسبتاً قانع کننده ای است که مورد خطاب او خلیل خیاط است و در صدد مجاب کردن او بر می آید. اما نوع دوم بیان نماینده ی سیاسی ایران در مصر متوجه مسئولین ایرانی در تهران بوده و کم و بیش به سود خلیل خیاط تنظیم شده است. این شیوه ی تهیه و ارسال گزارش اختصاص به مفخم الملائک ندارد، زبان گزارش سفیر کبیر ایران در اسلامبول، میرزا رضا خان ارفع الدوله، که در همین ارتباط بوده و به زودی به آن خواهیم پرداخت، زبان عجز و ضعف در مقابل لجاجت خلیل خیاط است. در ادامه به عباراتی از گزارش مفخم الملک می پردازم که بیانگر زبان توأم با اغماض مفخم الملک است. شروع قرارداد ۱۸۹۴ از اول ژوئیه ۱۸۹۷ در نظر گرفته شده بود ولی فصل سوم از قرارداد مزبور، خلیل خیاط را ملزم می کرد از اول ژانویه ۱۸۹۵ سالیانه ۵۰۰۰ لیره به دولت ایران بپردازد. وی ۱۰۰۰۰ لیره برای دو سال ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶ می پردازد ولی در آغاز سال ۱۸۹۷ "ملاحظه کرده که صرفیات تنباکو در مصر آنقدر نیست که سالی پنج هزار لیره مقرر را بدهد و اگر به کنترات مزبور دوام و رفتار نماید. خیلی متضرر خواهد شد." لذا خلیل خیاط در صدد تعدیل قرارداد ۱۸۹۴

بر می آید که موفق به انجام این تعدیل می شود. اسناد موجود هیچ اشاره ای به این امر ندارند که خلیل خیاط برای رسیدن به مقصود خود با مشکلی مواجه بوده است.

اگر مفخم الملک و سفیر وقت ایران در اسلامبول نخواستند اند به خلیل خیاط بفهمانند که ارزیابی او از میزان "صرفیات تنباکو در مصر" در سال ۱۸۹۷ نمی تواند حقیقت داشته باشد و صرفاً یک بهانه بوده است، ولی اسناد به ما می گویند، خلیل خیاط سال ها پیش از آن که امتیاز انحصار تنباکوی ایران را اخذ کند، امتیاز فروش انحصاری تنباکو در کشور مصر را در اختیار داشته است. وی در ۲ آوریل ۱۹۰۳ در نامه ای به مدیر کل گمرکات ایران توضیح می دهد: "به موجب شرط نامچه که بین حکومت مصر و این بنده در ۲۵ آوریل ۱۸۸۷ مبادله و در دهم ژوئیه ۱۸۹۴ بیست و دو ساله تجدید شده و در ۳ ژون ۱۹۱۹ انجام خواهد پذیرفت." (همانجا، ۸-۲۹/۱-۲۵-۱۳۲۰ق)

بنابراین خلیل خیاط در تجارت تنباکو یک تاجر تازه کار و کم تجربه نبوده است که در ۱۸۹۷، یعنی بعد از یک دهه فعالیت در زمینه تجارت انحصاری در مصر، به این نتیجه رسیده باشد که "صرفیات تنباکو در مصر" ناچیز است. بلکه برعکس نه تنها به میزان مصرف تنباکو در کشور خود آگاهی های لازم را داشته، به تمام پیچیدگی های موجود در این بازار نیز واقف بوده است. چنانچه دولت مردان ایرانی با جدیت بیشتر با خلیل خیاط برخورد می کردند، یقیناً او تجارت تنباکو با ایران را به گونه ای دیگر مدیریت می کرد. پس تعجب آور نیست مفخم الملک در گزارش خود به تهران به سادگی و با اغماض آشکار از کنار این بهانه خلیل خیاط می گذرد.

در موقع تنظیم قرارداد الحاقی دسامبر ۱۸۹۸ توسط بارووسی، از خلیل خیاط ۷۵۰۰ لیره "به رسم پیشکشی و سه هزار لیره نیز به عنوان دپو" به حساب دولت ایران دریافت شد. او می گوید که این مبلغ را "مفت نداده ام بلکه بر حسب خواهش اولیای دولت علیه ایران که پول لازم داشتند به رسم پیشکشی دادم که از بابت سنوات آتیه حساب نمایم."

بر اساس فصل دوم از قرارداد ۱۴ نوامبر ۱۸۹۴ قسط های شش ماهه ی ۲۵۰۰ لیره ای خلیل خیاط به دولت ایران از ژانویه ۱۸۹۵ شروع می شد و پایان آن در واقع زمان اجرای قرارداد الحاقی، یعنی اول ژوئیه ۱۸۹۸ بود. بنابراین در این مدت سه سال و نیم خلیل خیاط باید جمعاً ۱۷۵۰۰ لیره به دولت ایران می پرداخت. اما او تا زمان انعقاد قرارداد الحاقی فقط ۱۰۰۰۰ لیره

پرداخت کرده بود. به همین دلیل به شرط بارووسی، که پرداخت ۷۵۰۰ لیره باقیمانده طلب دولت ایران بود، بدون هیچگونه اعتراضی تن داد. از اینرو در سال ۱۸۹۷ خلیل خیاط پرداخت مبلغ فوق را امری قانونی و مطابق با قرارداد ۱۸۹۴ تلقی می کرد، حال آنکه نامبرده در مذاکره با مفخم الملک از کلماتی استفاده می کند که گوئی پرداخت ۷۵۰۰ لیره را صرفاً به دلیل نیاز دولت ایران پرداخته است.

اما در ارتباط با ۷۵۰۰ لیره ای که توسط خیاط پرداخت شده، باید "از بابت سنوات آتیه" وی حساب شود، تکلیف آن در مذاکرات خلیل خیاط با مستنصرالسلطنه در سال ۱۳۲۰ق کاملاً به طور مشخص تعیین شده بود.

در سال ۱۳۲۰ق خلیل خیاط معتقد بود که از مبلغ ۱۷۵۰۰ لیره فقط ۵۰۰۰ لیره آن حق دولت ایران برای سال مالی ۱۸۹۷-۱۸۹۸ است، زیرا زمان اجرای قرارداد ۱۸۹۴، که در آن سهم دولت ایران سالیانه ۵۰۰۰ لیره در نظر گرفته شده بود، ژوئیه ۱۸۹۷ بود و این قرارداد فقط برای یکسال، یعنی تا ژوئیه ۱۸۹۸، دوام داشت. بنابراین ۱۲۵۰۰ لیره باقیمانده که در واقع شامل پنج قسط ۲۵۰۰ لیره ای می شد، مسئله‌ی مورد مذاکره خلیل خیاط و مستنصرالسلطنه گردید.

در آن تاریخ خلیل خیاط از طرف شرکت خود به دولت ایران نوشته ای را می دهد که در آن به رفع همه اختلافات مالی میان طرفین تأکید شده بود، مگر به استثنای: "پنج قسط شش ماهه بمبلغ ۱۲۵۰۰ لیره انگلیسی که به عنوان مساعده صاحب امتیاز پرداخته است قطعاً از بابت پنج قسط آخر مدت امتیاز یعنی از بابت اقساط مقرر از اول ژانویه ۱۹۱۷ تا اول ژوئیه ۱۹۱۹ محسوب خواهد شد و در ظرف مدت مزبوره هر چند هم مقدار تنباکوی محموله به مصر کم یا زیاد شود، اقساط مقرر از فوق تفاوت نخواهد کرد، مگر به اندازه ای تنباکو حمل شود که به موجب کنترات یعنی از قرار حقه ای ۴۵ پاره رسوم آن از پنج هزار لیره انگلیسی در سال متجاوز باشد در این صورت تمه آن را کمپانی صاحب امتیاز خواهد پرداخت." (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۶۰/۳۶۰۰۰۸۷۷۰ ج ۴، آ و ۱، سند: ۱۹ مارس ۱۹۰۳)

از نوشته‌ی خلیل خیاط دو مطلب معلوم می شود؛ او پذیرفته بود، ۱۲۵۰۰ لیره طلب وی در آخرین سال های مالی تجارت وی با ایران تسویه گردد. دیگر اینکه مبلغ فوق، آنچنان که در فصل

دوم از قرارداد ۱۸۹۴ قید شده بود، حق امتیاز دولت ایران از صادرات تنباکو به مصر، صرف نظر از میزان تنباکوی صادر شده تلقی گردید. در مذاکرات سال ۱۳۲۰ ق خلیل خیاط شاید به دلیل منافع سرشاری که از بابت تعدیل قرارداد ۱۸۹۴ نصیب او شده بود به یک تعهد مالی تن داد که از آن نه در قرارداد ۱۸۹۴ ذکری به میان آمده بود و نه در قرارداد الحاقی دسامبر ۱۸۹۸. وی می پذیرد در صورتی که میزان تنباکوی صادر شده به مصر از ژانویه ۱۹۱۷ تا اول ژوئیه ۱۹۱۹ از قرار هر حقه ۴۵ پاره طلا از ۵۰۰۰ لیره انگلیس بیشتر شود، صاحب امتیاز این مبلغ اضافی را به دولت ایران بپردازد.. این مطلب آخر در واقع در هیچیک از قراردادهای فوق دیده نشده بود، بلکه ترکیبی بود از دو قرارداد اصلی و الحاقی.

توافق نامه سال ۱۳۲۰ ق می توانست پایه‌ی همه مذاکرات سال های بعد از آن قرار گیرد، اما با کمال تعجب در اسنادی که مربوط به سال های بعد از انقلاب مشروطه می شود، هیچ اشاره ای به توافق نامه سال ۱۳۲۰ ق مشاهده نمی شود.

با توجه به غفلت نمایندگان دولت ایران از توافق نامه فوق بود که خلیل خیاط در مذاکرات سال ۱۳۲۶ ق اصرار داشت، ۳۰۰۰ لیره ای که برای سال مالی ۱۸۹۸، براساس فصل سوم از قرارداد ۲۷ دسامبر ۱۸۹۸، به دولت ایران پرداخته بود به اضافه ۱۲۵۰۰ لیره، جمعاً ۱۵۵۰۰ لیره جزو طلب وی محسوب شود. خلیل خیاط بر نظر خود به منظور تسویه ۱۵۵۰۰ لیره اصرار می ورزید که این مبلغ از سهم دولت ایران از قرار هر حقه ۴۵ پاره طلا، و نه به عنوان حق امتیاز محض، در طی ۱۱ سالی که از امتیازش باقیمانده است، کسر شود. (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۳۱-۷-۷۹-۱۳۲۶ ق)

در انتهای گزارش مفخم الملک به مطلبی اشاره شده است که حکایت از نوع دوم بیان او دارد، یعنی زبان ترس و عجز. ارجاع اختلافات مالی به حکمیت، تهدیدی بود که خلیل خیاط همواره مسئولین سیاسی ایرانی را از آن می ترسانید. انعکاس این ترس در گزارش مفخم الملک به خوبی مشاهده می شود. او آن قدر که نگران پرداخت حداکثر یک هزار لیره بابت حق الوکاله یک وکیل است، نگران بدهی چند هزار لیره ای خلیل خیاط به دولت ایران نیست: "لیکن این فقره هم کاملاً معلوم خاطر مبارک باشد که حکم هم هر کس باشد، کمتر از سیصد و چهارصد لیره



حق حکمیت قبول نخواهد کرد. همچنین آو کا هم اگر لازم باشد همینطور مطالبه خواهد کرد و هر دو پیشکشی حق خودشان را خواهند گرفت در اینجا آو کاها به جهت مطالعه و ملاحظه‌ی یک مقاله نامه فقط برای یکدفعه ده لیره انگلیسی می خواهند تا چه برسد که خودشان وکیل به جهت تسویه عمل بشوند." (همانجا، همان سند)

میرزا موسی خان مفخم الملک در گزارش "نمره ۳" از قول خلیل خیاط به مطلبی اشاره دارد که بیانگر عدم انسجام دستگاه دولتی در ارتباط با تجارت تنباکوی ایران به مصر است: "حقوق دولت علیه ایران از من گاهی به توسط صدارت عظمی گاهی وزارت جلیله خارجه گاهی وزارت جلیله گمرک و گاهی سفارت کبرای اسلامبول و گاهی وکالت سیاسی مصر به وسایط متعدده اخذ و دریافت گردیده و در این مدت معلوم نشده که من با کدام اداره طرف حساب هستم." (همانجا، ۲۵-۷-۷۹-۱۳۲۶ق)

مفخم الملک در گزارش شماره ۴ (۲۴رمضان ۱۳۲۶) شرایط تحقیر آمیز زندگی خود را به عنوان مأمور اعزامی دولت ایران به اسکندریه برای سفیر کبیر ایران در اسلامبول، میرزا رضاخان ارفع الدوله، توضیح می دهد. اگرچه این بخش از گزارش وی ربط مستقیم با موضوع مقاله ندارد، اما از این جهت شاید در فهم ناکامی مأمورین سیاسی ایرانی در به سامان رساندن مشکلات ناشی از بهانه گیری های خلیل خیاط به ما کمک کند.

مادامی که نمایندگان سیاسی یک دولت در یک کشور بیگانه در وضعیتی چنان حقیرانه زندگی کنند، آن چنانکه مفخم الملک شرح می دهد، برای تأمین هزینه های مأموریت خود، مثل هزینه مخابرات و ایاب و ذهاب و غیره، و نیز گذران زندگی روزمره، ۳۵ لیره "از هتل گرفته ام به هتل مقروض و تا حال چند مرتبه آمده پول خواسته وعده امروز و فردا داده ام. نمی دانم با این ترتیب و حالت چگونه می توان ایفای خدمت محوله را نمود." (همانجا، ۲۶-۷-۷۹-۱۳۲۶ق)

در این صورت نمایندگان سیاسی ایران حتی اگر به دولت خود وفادار بوده و از طرف دعوا، خلیل خیاط، رشوه نستانند، حتماً در انجام وظایف محوله اهمال خواهند ورزید.

آخرین گزارش مفخم الملک که در واقع حاصل مأموریت و تحقیقات او در اسکندریه است، به دلیل ارائه آمار کلی برای پنج سال صادرات تنباکوی ایران به مصر از اهمیت قابل ملاحظه ای

برخوردار است. پیش تر معلوم گردید، دولت ایران طلب خود را تا آخر ژون ۱۹۰۲ با خلیل خیاط تسویه نمود. (همانجا، ۴۸-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ ق سند، ۴ ربیع الثانی ۱۳۲۰ نمره ۶۸) آماری که مفخم الملک ارائه می دهد از اداره ی گمرک مصر تهیه شده و با آماری که خلیل خیاط در اختیار او گذارد، تفاوت عمده نداشت. این آمار شامل تنباکوی صادر شده ایران به مصر در پنج سال اخیر یعنی تا پایان ۱۹۰۷ می باشد، تنباکویی که در این مدت:

"وارد اسکندریه شده

۹۰۹۵۰۱ حقه و ۷۲ درم

حق دولت علیه از قرار هر حقه چهل (و) پنج پاره طلا میشود

۱۰۲۳۱۹۱ غروش ۲۶ پاره

بحساب لیره انگلیسی میشود

۱۰۴۹۴ لیره ۵ شلین ۶ پانا

خلیل خیاط تا امروز (۲۴ رمضان ۱۳۲۶) کارسازی به دولت علیه نموده

۴۴۸۳ لیره

طلب دولت علیه از خلیل خیاط می شود

۶۰۱۱ لیره ۵ شلین "

(همانجا، ۲۱-۷-۷۹-۱۳۲۶ ق، سند: نمره ۸)

از محتوای اسناد مربوط به سال های بعد چنین دریافت می شود که مفخم الملک نتوانست خلیل خیاط را مجاب کند تا بدهی خود را با دولت ایران تسویه نماید. دیرتر به بررسی این اسناد خواهیم پرداخت.

### دوران استبداد صغیر

مجلس شورای ملی نماد برجسته ی انقلاب مشروطه ایران در روز سه شنبه دوم تیرماه ۱۲۸۷ برابر با ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ (۲۳ ژوئن ۱۹۰۸) بنا به دستور محمد علی شاه بمب باران و تعطیل گردید. بدین ترتیب دوره ای از وحشت، آشوب و مقاومت در ایران آغاز شد که تا ۲۷ جمادی

الثانی ۱۳۲۷ (۲۵ تیرماه ۱۲۸۸)، روز خلع محمد علی شاه از سلطنت، ادامه یافت. راه ها نا امن شد، عبور و مرور کاروان ها در مسیر جاده های کشور مختل گردید، این مشکل بر مشکلات تجارت تنباکو با خارج از کشور افزود.

پیامد های منفی دوران استبداد صغیر برای صادرات تنباکو در گزارش ارفع الدوله سفیر کبیر ایران در اسلامبول که در ۳ جمادی الثانی ۱۳۲۷ برای وزارت خارجه ایران ارسال شده است، به خوبی نمایان است. او می نویسد رژی اسلامبول و نیز رژی مصر به دلیل اوضاع نابسامان ایران تقاضای هزاران لیره خسارت کرده و برای این ادعای خود دلیل می آورند: "که به تصدیق تمام ایرانیان و علماء اگر دولت پارلمان را به توپ نمی بست هرگز این شورش ها نشده و راه ها بسته نمی شد که از یکسال باین طرف هر چه در آنجا تنباکو خریده اند، نتوانستند حمل کنند و بدینواسطه مبالغی به ما خسارت رسیده این است که نه خلیل خیاط و نه رژی اینجا (عثمانی) یک دینار نمی دهند و چون اغلب شرکای رژی آنجا (مصر) و اینجا (عثمانی) بسته فرانسه و انگلیسند چنانچه خاطر مبارک مستحضر است و خود دولت می داند، از دولت فرانسه و انگلیس هم به سفرای خود در طهران امر شده که به اظهارات رژی کومک نموده از این ها حمایت نمایند." (همانجا، ۳۴-۷-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: نمره ۱۰۴)

ارفع الدوله نیز مانند مفخم الملک، گزارش خود را به گونه ای تنظیم می کند که به وزارت خارجه بقبولاند که هیچ راهی برای دولت ایران باقی نمانده جز کنار آمدن با یک تاجر خاطی. خلیل خیاط از حربه ی همیشگی خود که ارجاع دعوا به حکمیت باشد، استفاده کرده و به دنبال آن ارفع الدوله زبان عجز و ترس را به کار انداخته و برای وزارت خارجه ایران قلم فرسایی می کند. او به منظور متقاعد نمودن مسئول خود در تهران، شرایط عقد قرارداد با یک وکیل در مصر را چنان سخت و گران نشان می دهد تا وزارت خارجه از هرگونه اقدام حقوقی بر علیه خلیل خیاط خودداری کند. سپس به وزارت خارجه پند می دهد: "این است که غیر از اینکه دولت با این ها یک طوری کنار بیاید هیچ راه و چاره ای ندارد، زیرا اگر بنا بشود دولت مقابله نامه این ها را به هم بزند و قدغن نماید از ایران تنباکو حمل نکنند هیچ ضرری به این ها نخواهد خورد." ارفع الدوله سپس با مهارت تمام از آخرین ابزار ایجاد وحشت استفاده کرده تا دولت ایران را بدهکار خلیل

خیاط نماید: "اینها در مطالبه‌ی خسارت خود به توسط سفارت انگلیس و فرانسه و عثمانی اقدامات خواهند کرد." (همانجا، همان سند)

بعد از ایجاد ترس و نگرانی، راه حل و اقدام مشع خود را که چیزی جز تحقیر برای دولت ایران نبود بیان می‌کند: "این بود که بنده وقتی که والا حضرت خدیو مصر به سفارت آمدند، چون خلیل خیاط از خدیو ملاحظه دارد و رژی آنجا را از خدیو گرفته است، خواهش کردم به کسان خودشان امر بدهند که در نزد خلیل خیاط واسطه بشوند." (همانجا، همان سند)

وساطت خدیو مصر نه تنها منجر به تسویه حساب خلیل خیاط با دولت ایران نشد، بلکه او ادعای جدیدی را نیز مطرح کرد: "در این مدت یکسال (دوره استبداد صغیر) به واسطه نبودن کاروان و بسته شدن راهها مقدار کلی تنباکوی ما در اصفهان و بین راه ها مانده و چقدرها از این راه متضرر شده ایم." بنا بر این رژی مصر و عثمانی ادعا نمودند که در مدت یاد شده، مبلغ ۲۵۰۰۰ لیره به تجارت آن ها خسارت وارد شده، سپس این مبلغ را به ۵۰۰۰ لیره و در نهایت به ۲۴۰۰ لیره کاهش داده و به دولت ایران "سه ماه مهلت" دادند. (همانجا، ۳۳-۷-۷۹-۱۳۲۶ق)

قابل توجه است که این دو رژی برای ۲۴۰۰ لیره طلب خود که هنوز به اثبات نرسیده به دولت ایران فقط سه ماه فرصت می دهند، ولی از بابت هزاران لیره طلب دولت ایران که شامل حق امتیازش بر واگذاری انحصار تنباکو به آن ها می شود، باید مدت هفت سال صبر کند.

بعد از این که سفیر ایران در اسلامبول برای دولت خود کلی تحقیر به وجود آورد، در ادامه گزارش با حس یک طلبکار به وزیر خارجه ایران می نویسد: "حالا ملاحظه بفرمائید که چقدر زحمت کشیده ام تا ادعای بیست و پنجهزار لیره را باین مقدار رسانیده ام." (همانجا، همان سند) در طی مأموریت طولانی میرزا رضا خان ارفع الدوله در سمت سفیر کبیر ایران در اسلامبول که از ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۷ق به طول انجامید، نظارت بر فعالیت های تجاری خلیل خیاط، به جز در ۱۳۲۰ق، در وضع بسیار نا مطلوبی قرار داشت. وی با وجود تعریف و تمجیدی که در گزارش بالا از سیاست های خود در قبال رژی مصر و عثمانی نمود، موفق نشد طلب دولت ایران را با خلیل خیاط تسویه کند. این امر باز هم به عهده تأخیر افتاد.

### تجارت تنباکو از سقوط محمد علی شاه تا ۱۳۳۷/۱۹۱۹ق

اسناد موجود درباره‌ی صادرات تنباکو از نیمه دوم سال ۱۳۲۷ق تا آغاز ۱۳۲۹ق سکوت کرده اند. اما بررسی اسناد بطور کلی بیانگر دو واقعیت متضاد است، خلیل خیاط تنباکوی مورد نیاز کشورش را در ایران خریداری کرده و آن را به راحتی از گمرک ایران به مقصد مصر خارج می کند و از طرف دیگر حق دولت ایران را از بابت هر حقه تنباکو ۴۵ پاره طلا نمی پردازد. او نه تنها بدهی سال های قبل را نمی پردازد، بلکه از پرداخت حقوق دولت ایران نسبت به صادرات جاری نیز خوداری می کرد.

در سال ۱۳۲۹ق چهره های سیاسی که باید مسئله‌ی تجارت تنباکو را دنبال کنند تغییر یافته و آدم های جدیدی وارد عرصه مبارزه با خلیل خیاط می شوند. یکی از چهره های جدید "مسئو کله" مفتش تذکره خاک عثمانی" است که در رایزنی میان وزارت مالیه، اداره گمرک و وزارت خارجه، از طرف اداره‌ی گمرک مأموریت می یابد تا حقوق به تأخیر افتاده ایران را با خلیل خیاط تسویه نماید. (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۶۰/۳۶۰۰۰۸۷۷۰، ج ۷۵۰/۴، آوا، سند: ۲۰ محرم ۱۳۲۹، نمره ۲۱۵۴۹ و نیز سند: ۲۶ مارس ۱۹۱۱، نمره ۸۰)

وزارت خارجه، مأموریت کله را به سفارت ایران در اسلامبول ابلاغ کرده و به این سفارت دستور می دهد تمام اسناد مربوط به رژی مصر، به اضافه حکم مأموریت نامبرده را در اختیارش قرار داده و خلیل خیاط را رسماً از مأموریت کله مطلع ساخته و مهرا ن خان فخرالوزاره، "کفیل وکالت سیاسی" ایران در مصر را به همکاری با کله موظف نماید. (همانجا، سند: ۲۳ محرم ۱۳۲۹) اما ایجاد هماهنگی میان وزارت مالیه و وزارت خارجه با طرح این سؤال که متولی اصلی برای پیگیری حقوق عقب افتاده دولت ایران و ایجاد ارتباط مستقیم با خلیل خیاط به عهده ی کدام وزارت خانه است، یک جنگ کلامی را میان دو وزارت خانه به وجود آورد. شرایط پیش آمده دو پیامد در پی داشت، اولاً مأموریت کله را متوقف نموده و ثانیاً منجر به ارسال یک رشته مکاتبات متقابل شد که بررسی محتوای اسناد این مکاتبات از حوصله‌ی مقاله حاضر خارج است.

۱. کله یا کلت (Collet) بلژیکی در سال ۱۹۱۲ در قسطنطنیه در خدمت سفارت ایران بود تا علاوه بر مسئولیتی که در قسمت

تذکره سفارت داشت، اقساط "شرکت تنباکو" را نیز دریافت نماید. (ویلهم لیتن ۱۳۶۷: ۱۳۴)

(همانجا، سند: ۲۹ محرم ۱۳۲۹، نمره ۱۰۴۳/۱۳۷۰ و نیز سند: ۴ صفر ۱۳۲۹، نمره ۲۲۵۹۵ و نیز سند: ۱۶ صفر ۱۳۲۹، نمره ۲۳۵۷/۱۵۴۰)

مرتضی قلی خان صنیع الدوله در این ایام در کابینه‌ی میرزا حسن خان مستوفی الممالک تا ۵ صفر ۱۳۲۹ که توسط یک تبعه گرجی تبار روس ترور شد، وزارت مالیه را به عهده داشت. (عبدالحسین نوائی، ۲۵۳۵: ۱۸۸) در ۲۴ صفر کابینه مستوفی الممالک استعفا داد و سپهدار تنکابنی جای او را گرفت، در کابینه‌ی جدید مسئولیت وزارت خانه مالیه به میرزا اسماعیل خان ممتازالدوله واگذار گردید. (همانجا: ۱۹۲) وزارت خارجه نیز بعد از استعفای حسین قلی خان نواب در ۲۴ ذیحجه ۱۳۲۸ در مسئولیت میرزا حسن خان محتشم السلطنه قرار گرفت. (همانجا: ۱۸۵ و ۱۹۱)

سرانجام در ۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۹ رئیس اداره‌ی محاسبات وزارت خارجه که در این موقع به عهده میرزا حسن خان مشارالملک بود (رجال وزارت خارجه ۱۳۶۵: ۱۵۶) با ارسال نامه ای به وزارت مالیه به تقاضای مالیه تن داده ولی در عوض پرداخت حقوق سفراء و مأمورین وزارت خانه خود را طلب می کند. (سازمان اسناد ملی ایران، ۸۷۷۰/۳۶۰۰۰۸۷۵۰ ج ۴ و ۱، سند: ۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۹، نمره ۳۲۰۹/۱۶۵۷) بعد از دو ماه نامه نگاری بالاخره وزارت مالیه حکم مأموریت کله را صادر و به وزارت خارجه جهت پی گیری ابلاغ می کند.

کله از تاریخ ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۲۹ بنا بر ابلاغیه‌ی رسمی وزارت خارجه ایران مأموریت خود را به همراهی میرزا موسی خان مفخم الملک که پیشتر از این مأمور رسیدگی به پرونده خلیل خیاط بود و کاری از پیش نبرد، آغاز نمود. هدف او در این مأموریت: "اقلاً حساب دولتی را از ابتدای قرارداد تا این سال معلوم نموده، وجوهاتی هم که تادیه شده است اسناد آنها را رؤیت کرده صورتی از آن اسناد حسابها به وزارتخانه ارسال دارید. ثانیاً پس از رفع اختلاف حقوق معوقه دولت را دریافت نموده و برای آتیه ترتیبی بدهید که مرتباً این وجه عاید شود." (همانجا، ۸۷۷۰/۳۶۰۰۰۸۷۵۰ ج ۴ و ۱، سند: ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۲۹، نمره ۲۰۶ و ۲۰۸، نیز سند: ۲۳ ربیع الثانی

۱۳۲۹، نمره ۵۴۸۲ و سند: ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۹، نمره ۲۶۸۸)

اما در این میان کله براساس گزارش مرنارد، مدیر کل گمرکات، به وزارت خارجه بیمار شده و عازم اروپا گردید، ولی اعلام نمود که با تأخیر به مصر خواهد رفت. مرنارد با بیانی شکوه آمیز

می نویسد، زمانی که مشروطه خواهان مرا متهم می کردند که برای منافع دولت روس کار می کنم و نه برای دولت ایران، ثابت کردم که خلیل خیاط بیشتر از ۱۵۰۰۰ لیره انگلیس به دولت ایران بدهکار است و این در حالی بود که مسئولین وزارت خارجه بر این باور نبودند. (همانجا، سند: ۲۰ اوت ۱۹۱۱ - ۲۵ شعبان ۱۳۲۹، نمره ۴۶۳۱ و نیز سند: ۱۷ رمضان ۱۳۲۹، نمره ۱۹۵۳۷/۱۱۴۱)

پیش از این قرار بود در مأموریت کله به اسکندریه، حاجی میرزا موسی خان مفخم الملک او را همراهی کند، اما به جای وی از طرف میرزا محمود خان احتشام السلطنه که در تمام ایام جنگ جهانی اول سفیر کبیر ایران در اسلامبول بود (بامداد، ۱۳۷۱: ۴/۳۴) "رئیس صندوق مرکزی" سفارت ایران، علی محمد خان اویسی، به مصر اعزام شد. (سازمان اسناد ملی ایران ۱۳۶۰/۳۶۰۰۰۸۷۷۰ ج ۷۵۰/۴ و ۱، سند: - ذیقعه ۱۳۲۹، نمره ۲۲۷۷) وزارت خارجه نیز اویسی را به "اداره رژی مصر" به منظور دسترسی به دفاتر رسمی و حسابرسی عملکرد این شرکت معرفی نمود. (همانجا، سند: ۱۷ رمضان ۱۳۲۹، نمره ۱۳۰۷)

اگرچه در این دور از مذاکرات با خلیل خیاط نقش اصلی به عهده‌ی کله است، ولی باید این دوره را به نام علی محمد اویسی ثبت کنیم. او در کار خود موفق بود، وی در ۲۱ ذیقعه ۱۳۲۹ ق ورود خود و کله را به اسکندریه از روی کشتی رومانی کتانتزا به اطلاع وزارت خارجه می رساند. (همانجا، سند: ۲۱ ذیقعه ۱۳۲۹، نمره ۱۶)

از گزارش علی محمد اویسی دریافت می شود، مسیو کله نیز گزارش های مفصلی به تهران ارسال داشته است. اما متأسفانه نگارنده تا کنون نتوانسته است نسخه ای از گزارش های مسیو کله را به دست آورد. از اویسی که در این مأموریت، کله را همراهی می کرد خوشبختانه گزارش نسبتاً جامعی به جا مانده است.

اویسی در گزارش خود ضمن اشاره به محتوای قرارداد نوامبر ۱۸۹۴ و نیز قرارداد الحاقی ۱۸۹۸ و ۱۷۵۰۰ لیره ای که خلیل خیاط به حساب سه سال و نیم، از ژانویه ۱۸۹۵ تا ژوئیه ۱۸۹۸، به عنوان حق امتیاز دولت ایران پرداخته و نیز ۳۰۰۰ لیره ای را که از بابت قرارداد الحاقی به نام تأمین (دپو) داده است، ادامه می دهد، خلیل خیاط در این تجارت به جز نفع شخصی و ندیدن حقوق دولت ایران هدف دیگری ندارد. نامبرده: "سخت در اظهارات خود ایستادگی دارد حتی در ابتدا

منکر همه چیز بود و خود را از دولت طلبکار می دانست. بعد که نوشتجات خود او که در سال ۱۹۰۳ در توضیح و تسویه حاصله به وکالت سیاسی دولت علیه در مصر نوشته، پیدا شد و باو ارائه گردید دیگر مجال انکاری برایش باقی نمانده علناً اظهار داشت که به میل خود این وجه را به دولت ایران نخواهم داد و آنقدر اینکار را طول می‌دهم که دولت خسته شود." (همانجا، سند: ۱۳ جدی ۱۳۲۹، نمره ۶۷، ص ۳)

اویسی از مذاکرات خود با خلیل خیاط به نتیجه ای می‌رسد: "پس برای وصول این وجه (طلب دولت ایران) یک قوه لازم بود که خلیل خیاط پاشا را مجبور به ادای آن نماید. این قوه باید به وسیله محاکم محلیه (باشد) به واسطه دیگری حصولش غیر متصور است" که هیچ کدام از نمایندگان سیاسی ایران، در گذشته وقتی در مقابل خلیل خیاط قرار می‌گرفتند جرئت بیان آن را نداشتند. چه بسا اگر به راه حلی می‌رسیدند که اویسی رسید، مشکل بدهی خلیل خیاط به دولت ایران تا آن زمان تسویه شده بود.

علی محمد اویسی نسبت به اتخاذ یک راه حل سیاسی و مذاکره با دولت مصر ابراز تردید نموده، بیان می‌دارد: "نبودن مأمور صحیحی در مصر و از طرف دیگر سوء افکار بعضی از مأمورین که تا کنون همین مسئله را به اینجا رسانیده اقدام را از این راه قدری غیر مؤثر می‌نمایاند." (همانجا، همان سند، ص ۳)

اویسی در ارجاع دعوا به محاکم محلی اسکندریه به طور قاطع اصرار ورزید و با "مسیو شریدان آوکای محکمه استیناف اسکندریه" قرار همکاری گذارد. وی به وزارت خارجه توصیه می‌کند، نباید طرف دعوی خلیل خیاط دولت ایران قرار گیرد، زیرا در آن صورت محاکم محلی مصر صلاحیت رسیدگی به چنین دعوایی را که طرف دعوا یک دولت خارجی است، نخواهند داشت. بنابراین آن را به محکمه ی کنسولگری مدعی علیه احاله خواهند داد و چون "در این موقع خلیل خیاط پاشا در تحت حمایت دولت پرتقال است لازم می‌آید که در این کار دولت علیه به محکمه قونسولگری پرتقال مراجعت نماید." (همانجا، همان سند، ص ۴)

در صورتی که یکی از ادارات دولتی مثل اداره گمرک شخصی را به عنوان نماینده خود به جهت تعقیب امور قضایی مربوط به پرونده ی خلیل خیاط معرفی کند و از طرف دیگر سفارت



کبرای ایران در اسلامبول گواهی کند، اداره مزبور، یک اداره مسفل تلقی شده آنگاه نماینده آن اداره مثلاً گمرک، یک شخص حقیقی به حساب خواهد آمد. به این ترتیب می توان پرونده بدهی خلیل خیاط را به محاکم محلی اسکندریه واگذار نمود. این همان شیوه ای است که در دعوی سال ۱۳۱۸ق بر علیه خلیل خیاط و با وکالت کارتون دو بار به آن عمل شد. (همانجا، همان سند، ص ۴-۳)

اویسی به وزارت خارجه توصیه می کند که جریان محاکمه بر خلاف مورد سال ۱۳۱۸ق خارج از مدیریت اداره گمرک، بلکه باید از مسیر اداره صندوق مرکزی واقع در سفارت ایران در اسلامبول هدایت شود. (همانجا، همان سند، ص ۶-۵)

بر اساس ارزیابی علی محمد اویسی، میزان بدهی خلیل خیاط، چنانچه موافقت نامه او با مستنصرالسلطنه در سال ۱۹۰۳ معیار محاسبه قرار گیرد، تا آخر ژون ۱۹۱۱، معادل ۱۲۴۱۶ لیره انگلیس می شود و "الحال هم اول ژانویه ۱۹۱۲ است یعنی شش ماه هم از آن تاریخ می گذرد و بلکه تا وقتی که دعوی شروع و به محکمه رجوع شود یک سال خواهد گذشت و خود آن هم قریب سه هزار لیره می شود جمعاً تخمیناً الحال مبلغ ۱۵۰۰۰ لیره حقوق دولت که بیش از یک صد هزار تومان است." (همانجا، همان سند، ص ۴)

متأسفانه اسناد مربوط به رژی مصر از ژانویه ۱۹۱۲ تا ژانویه ۱۹۱۸، به جز یک متحدالمال ادارات گمرک به تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۱۳، در اختیار نگارنده نیست و شاید از بین رفته باشند. اولین سند که بعد از این انقطاع شش ساله در اسناد رژی مصر موجود است، گزارشی است از علی محمد اویسی که در تاریخ "۱۹ جدی ۱۲۹۶ مطابق ۲۶ ربیع الاول ۱۳۳۶" تهیه شده است.

اویسی به هنگام تهیه گزارش بالا مدیر کل فلاح و تجارت بوده، ولی به دلیل تسلط او بر پرونده رژی مصر، وزارت خارجه از او مشورت خواسته است. بررسی گزارش اویسی ما را در جریان دعوی دولت ایران نسبت به خلیل خیاط در طی سال هایی که اسناد آن در حال حاضر موجود نیست، قرار می دهد. اویسی به وزارت خارجه یادآوری می کند که جامع ترین گزارش درباره ی مسئله ی خلیل خیاط، گزارش ۱۳ جدی ۱۳۲۹، نمره ۶۷ است که توسط خود او تهیه شده و ما پیشتر به آن پرداختیم.

اویسی با بیان اینکه طلب دولت ایران تا آخر سال ۱۹۱۶ تقریباً به ۲۵۰۰۰ لیره انگلیس بالغ می شود، به طرح و یادآوری تلاش های خود در ارتباط با مسئله رژی مصر بعد از ۱۳۲۹ ق می پردازد. (همانجا، ۱۸۸۳۳، ۲۴۰/۲۱۲، ۱۳ آ آ، سند: ۲۶: ربیع الاول ۱۳۳۶، نمره ۱۵)

در آخر ماه صفر ۱۳۳۰ (۱۸ فوریه ۱۹۱۲/۳۰ بهمن ۱۲۹۱) وزارت خارجه به اویسی مأموریت می دهد، اقداماتی را در جهت تسویه بدهی خلیل خیاط صورت دهد. نامبرده کار خود را با جدیت انجام داده و گزارش آن را در "راپورت نمره ۲۴۳ مورخه ۱۵ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۰" به اطلاع وزارت خارجه می رساند. اما بر خلاف انتظار وی، معلوم گردید که در ارتباط با مسئله رژی مصر "در طهران مابین خزانه داری و وزارت جلیله (خارجه) محل اختلاف نظر واقع شده و از قراری که مستر شریدان و کیل بنده (اویسی) از اسکندریه نوشت، مسیو مورنارد خزانه دار کل اشعار داشته است که در این کار عجاله دست نگاه دارد تا تکلیف ثانوی از طرف دولت معلوم شود."

اویسی چون با سابقه کار و پیچیدگی های آن آشنا بود و می دانست مشکل اصلی در تهران است و نه در اسکندریه، در ۱۷ شعبان ۱۳۳۰ به وسیله نامه ای به وزارت خارجه در ارتباط با رژی مصر "از خود سلب مسئولیت نمود." سپس، آن چنان که اویسی می نویسد، وزارت خارجه دیگر به نامه های نامبرده به جهت پیگیری مشکل رژی مصر پاسخی نداده است.

علی محمد اویسی در سال ها بعد به پرونده ی رژی که در اداره ی محاسبات وزارت خارجه موجود بود، مراجعه کرده و متوجه می شود علت بی پاسخ ماندن نامه های او به وزارت خارجه به این دلیل بوده که مسئولیت رسیدگی به مسئله خلیل خیاط را "محول به خزانه داری کل کرده و تا کنون به ارسال راپورت های راجعه به این کار به خزانه داری اکتفا شده و از سال ۱۳۳۱ به بعد اقداماتی که در این باب به عمل آمده فقط یک سلسله مکاتباتی است که فیما بین وزارت جلیله و مالیه و خزانه داری تبادل یافته است." (همانجا، همان سند)

در پایان سال ۱۲۹۵ خورشیدی در وزارت خارجه مجدداً اراده برخورد با مشکلاتی که خلیل خیاط به وجود آورده است، شکل می گیرد و حاصل آن جلساتی است که در آن ایام منعقد می گردد. بالاخره در این سال "به موجب یک طغرا صورت مجلس مورخه ۵ حوت (اسفند) مقرر می شود" اویسی به منظور احاله پرونده ی خلیل خیاط به محاکم محلی مصر به این کشور اعزام

گردد، یک سال پس از آن، وقتی که وزارت خارجه از اویسی تقاضا می کند پرونده رژی مصر را مجدداً به جریان اندازد، وی با مراجعه به اسناد سابقه کار متوجه می شود صورت جلسه "۵ حوت ۱۲۹۵" برابر با ۲۴ فوریه ۱۹۱۷/۲ جمادی الاول ۱۳۳۵ را به جای اینکه به او ابلاغ کنند، آن را بایگانی نموده و به این ترتیب حل مسئله رژی مصر را یک سال دیگر به تعویق انداخته اند.

قضاوت علی محمد اویسی درباره انحصار تنباکوی ایران در دو کشور مصر و عثمانی بسیار منفی بوده و آن را "اسف آور مالیه دولت علیه" ایران می داند. تا زمان تهیه گزارش اویسی، هنوز یک سال و نیم به پایان امتیاز رژی مصر باقی مانده بود و این نگرانی برای مسئولین وقت وجود داشت که ممکن است بعد از خاتمه امتیاز خلیل خیاط، تجارت تنباکوی ایران بازار خود را در مصر از دست بدهد. (همانجا، همان سند)

دستگاه دیپلماسی ایران در سال ۱۳۳۶ق یک بار دیگر بر علیه خلیل خیاط فعال شد. میرزا فتح الله خان مشیر حضور از سال ۱۳۳۱ق به عنوان وکیل سیاسی ایران در مصر به کار اشتغال داشت. (رجال وزارت خارجه: ۱۹۳) نامبرده خطاب به علی محمد اویسی، گزارشی را در اواخر سال ۱۳۳۶ق ارسال می دارد که دربرگیرنده‌ی مطالبی است که ما را به بعضی از زوایای غامض مسئله رژی مصر نزدیک می کند.

مشیر حضور از بی میلی وزارت خارجه، مرنارد خزانه دار کل و شریدان، وکیل حقوقی دولت ایران در اسکندریه، شکوه می کند. زیرا در سال ۱۹۱۴ وقتی که مشیر حضور تصمیم داشت پرونده خلیل خیاط را به جریان اندازد، شریدان، با این بهانه تا مرنارد به او دستور پیگیری پرونده خیاط را ندهد، از کمترین همکاری با وی خودداری ورزید. نه مرنارد دستورالعمل مناسبی برای شریدان ارسال داشت و نه وزارت خارجه به گزارش های مکرر مشیر حضور به عنوان نماینده‌ی سیاسی ایران در مصر پاسخ داد. (سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۸۳۳/۲۴۰۰۱۲/۲۴۰۰، سند: ۱۵ ذیقعه ۱۳۳۶، نمره ۲۸۵)

در اسناد سال ۱۳۳۷ق به بعد مرنارد به شدت متهم می شود، در سال ۱۹۱۳ وی با صدور و اجرای متحدالمالی که مطابق آن از تنباکوهای خلیل خیاط تعرفه اضافی اخذ شده است، به زیان منافع دولت ایران عمل کرده است.

مرنارد در ۳۰ مارس ۱۹۱۳/۲۱ ربیع الاخر ۱۳۳۱ دستورالعمل جدیدی که صرفاً در ارتباط با تنباکوی ارسالی برای مصر تنظیم شده بود، برای ادارات گمرک کشور ارسال می‌دارد. در این متحدالمال تعرفه جدیدی علاوه بر پنج درصد تعرفه قدیمی، برای تنباکوهای به نام خلیل خیاط در نظر گرفته شده بود. هدف مرنارد، آن چنان که در ابتدای دستورالعمل جدید تاکید نموده است، تسویه نمودن بدهی خلیل خیاط به دولت ایران از قبل دریافت تعرفه جدید بوده است. (همانجا، سند: طهران ۳۰ مارس ۱۹۱۳)

مشیر حضور بر این ابتکار مرنارد به شدت ایراد گرفته و آن را "یک خبط بسیار بزرگی" می‌داند که "یک اسلحه بسیار خطرناکی به دست شرکت تنباکو داده است" و به نظر وی "این اقدام یک نقطه‌ی حیرت‌انگیز و تاریک است که بالاخره باید ظاهر شود." زیرا افزایش تعرفه گمرکی برای تنباکوی ارسالی به مصر خلاف قرارداد ۱۴ نوامبر ۱۸۹۴ می‌باشد. مطابق با ماده پنجم از قرارداد فوق، دولت ایران اجازه نداشت در مدت بیست و دو سال امتیاز انحصار تنباکو که به خلیل خیاط واگذار نموده، تعرفه گمرکی را افزایش دهد. بدتر اینکه مرنارد یک نسخه رسمی از متحدالمال جدید را برای خلیل خیاط می‌فرستد و او می‌تواند از این مدرک در دادگاه به زیان منافع دولت ایران استفاده کند. (همانجا، سند: ۱۵ ذیقعه ۱۳۳۶، نمره ۲۸۵)

اسنادی که از تجارت تنباکوی ایران به مصر به جا مانده است، آن قدر اطلاعات مفید در اختیار ما نمی‌گذارد که بتوانیم مرنارد را به خاطر اجرای متحدالمال ۳۰ مارس ۱۹۱۳ سرزنش کرده و یا او را متهم کنیم که بر خلاف منافع دولت ایران عمل کرده است.

مشیر حضور در آخرین گزارش خود به تهران بیان می‌دارد مرنارد در طی سه ماه از اجرای متحدالمال یاد شده توانست مبلغ "چهار هزار و نهصد و دو تومان و نه قران و چهار صد دینار اضافه" از محموله‌های تنباکوهای بنام خلیل خیاط اخذ کرده و به حساب طلب دولت ایران از نامبرده منظور دارد. اگر دولت مردان ایرانی که درگیر مسئله رژی مصر بودند، شهادت خزانة دارکل را می‌داشتند و اقدام به اتخاذ یک راه حل عملی می‌نمودند آن چنان که مرنارد انجام داد آیا خلیل خیاط می‌توانست حیثیت یک دولت را به بازی بگیرد.

اسناد موجود راجع به اینکه چرا مدت زمان اجرای متحدالمال مرنارد فقط سه ماه دوام آورد، مطلبی را برای ما فاش نمی کنند. اما قابل تصور است در صورتیکه روش مرنارد برای تسویه ی طلب دولت ایران از رژی مصر مورد حمایت دستگاه های دولتی قرار می گرفت، خلیل خیاط دیگر آن فرصت را پیدا نمی کرد که به علی محمد اویسی بگوید، آن قدر به روش خود ادامه می دهم تا دولت ایران خسته شود.

نتیجه ی کار مرنارد برای مشیر حضور هم جالب بوده، به طوری که باور کردن اینکه مرنارد توانسته است در مدت سه ماه از بابت تعرفه ی اضافی نزدیک به ۵۰۰۰ تومان از خلیل خیاط بگیرد، مشکل است. زیرا براساس آمار رسمی گمرکات مصر در سال ۱۹۱۳ فقط ۲۸۵۷۲۵ گیلو گرم تنباکوی ایران وارد این کشور شده است، "اگر از کلیه این تنباکو مطابق متحدالمال مزبور رسوم اضافه اخذ می شد مجموع مأخوذات تمام سال به این مبلغ نمی رسید." مشیر حضور که در پی پاسخ راحت بود به این نتیجه می رسد که مبلغ اضافی باید شامل تنباکو ارسالی برای اسلامبول هم باشد. (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۱۶/۳۶۰۰۷۵۵۱ ج ۱، آو ۱، سند: نمره ۶۱۷)

در متحدالمال مرنارد به صراحت ذکر شده است، اخذ تعرفه ی اضافی صرفاً به منظور جبران حقوق دولت ایران از بابت امتیاز انحصار تنباکو به خلیل خیاط است. در این دستورالعمل در ارتباط با رژی عثمانی، مرنارد توضیح می دهد: "نمی توان فعلاً تعرفه دیگری برای تنباکوئی که از طرف کمپانی تنباکوی قسطنطنیه خریداری می شود اجری نمود." (همانجا، ۲۱۲/۲۴۰۰۱۸۸۳۳ ی ۱۳۳، سند: طهران ۳۰ مارس ۱۹۱۳)

بدون تردید مرنارد نمی توانسته است که آن مبلغ اضافی را از رژی عثمانی گرفته باشد. پس مبلغ فوق مربوط بود به تنباکویی است که در گمرک ایران به نام خلیل خیاط ثبت می شده، ولی به اروپا و آسیا ارسال می گشت. از بیان مشیر حضور معلوم می شود میزان قاچاق تنباکویی که در گمرک ایران به نام خلیل خیاط ثبت می شد ولی راهی ممالک دیگری شده است، بسیار بیش از تنباکویی بود که به مصر ارسال می گشت.

بنا به محاسبه مشیر حضور، در صورتی که براساس تعرفه اضافی مرنارد از کل تنباکوئی (۲۸۵۷۲۵ کیلو گرم) که در سال ۱۹۱۳ وارد مصر شد، حقوق گمرکی دولت ایران محاسبه و اخذ

می گشت، کمتر از مبلغی (چهار هزار و نهصد و دو تومان و نه قران و چهار صد دینار) می شد که مرنارد در مدت سه ماه از تنباکوی رژی مصر گرفته است. پس بنا بر آمار فوق تنباکویی که خلیل خیاط از گمرک ایران به کشورهای دیگر صادر می کرده است، حداقل چهار برابر تنباکویی است که به کشور خود ارسال می داشته است.

به عبارت دیگر کل عملکرد تجاری سالیانه خلیل خیاط بالغ بر ۱۱۴۲۹۰۰ کیلو گرم تنباکو می شده است، از این مقدار که با تعرفه گمرکی تخفیفی پنج درصد صادر می گشت فقط ۲۰ درصد آن به مصر وارد می شد. این همان زیان بزرگی بود که مستنصرالسلطنه در سال ۱۳۲۰ ق نگران آن بود که تمام تنباکوی ایران با تعرفه پنج درصد از ایران خارج گردد.

مرنارد نیز در متحدالمال خود به صراحت به این تقلب اشاره کرده است. فهم سازوکار تقلب در صادرات تنباکوی ایران امر پیچیده ای نیست. چنان چه آمار ثبت شده در گمرک ایران ملاک محاسبه میزان عملکرد خلیل خیاط قرار می گرفت، هم حق امتیاز دولت ایران از بابت ۴۵ پاره طلا در ازای هر حقه تنباکوی صادر شده به مصر، دقیقاً قابل محاسبه بود و هم خلیل خیاط قادر نبود که از کشور مصر به عنوان یک محل ترانزیت تنباکوی ایران به نقاط دیگر دنیا استفاده کند.

مستنصرالسلطنه پیش از این به وزارت خارجه تذکر داده بود، تنباکوی های ترانزیتی در گمرک مصر ثبت نمی شوند و چون حقوق دولت ایران از بابت رژی مصر صرفاً متناسب با آمار ثبت شده در گمرک این کشور تعیین می شد، دیگر هیچ امکانی در اختیار دولت ایران باقی نمی ماند، تا از آن طریق بتواند حقوق خود را بر تنباکوی های ترانزیتی اعمال نماید. به این ترتیب خلیل خیاط با استفاده از اهمال دولت ایران در قبال حقوق خود به آسانی می توانست با پرداخت فقط پنج درصد تعرفه گمرکی، تنباکوی ایران را به هر جا که خود مایل بود صادر نماید. حال آنکه او می باید برای تنباکوی ترانزیتی ۷۵ درصد حقوق گمرکی می پرداخت.

علی محمد اویسی با توجه به کم تحرکی وزارت خارجه در قبال رژی مصر، سعی می کند وزارت مالیه را نیز به مسئلهی خلیل خیاط و زیان فوق العاده ای که به دولت ایران وارد آمده هر چه بیشتر حساس نماید. امتیاز رژی مصر در "اول ژوئیه ۱۹۱۹ مطابق ۱۰ سرطان ۱۲۹۸" به پایان می رسید و اویسی هفت ماه پیش از خاتمه امتیاز فوق وزارت مالیه را در جریان گذاشته و حقوق از

دست رفته دولت ایران را به "اولیای امور" یاد آور می شود. وی به وزارت مالیه توصیه می کند، با پیش بینی و ارائه ی یک راه حل سیاسی باید مانع از دست رفتن بازار مصر به روی تنباکوی ایران شد. (همانجا، ۱۸۸۳۳/۲۴۰۰/۲۱۲/۲۱۳، سند: ۶ ربیع الاول/۱۹ قوس ۱۳۳۷، نمره ۲۶)

نامه ی اویسی در اداره ی "تشخیص کل عایدات" وزارت مالیه با مراجعه به اسناد مربوط به رژی مصر مورد بررسی قرار گرفته و اعلام می گردد، خلیل خیاط مبلغ ۲۵۰۰۰ لیره به دولت ایران بدهکار است. در گزارش فوق مرنارد بابت به اجرا در آوردن متحد المال ۳۰ مار ۱۹۱۳ سرزنش شده و با کلیه نظرات علی محمد اویسی و ضرورت اقدام فوری برای تسویه حساب با خلیل خیاط تاکید شده است. (همانجا، سند: ۲۸ جدی ۱۳۳۷، نمره ۱۱۹۹)

در کمتر از سه ماه بعد، یک بار دیگر از طرف "اداره ی تشخیص کل عایدات" وزارت مالیه خطاب به وزیر این وزارت خانه، ضرورت اقدام عاجل به منظور جلوگیری از به هدر رفتن حقوق دولت ایران یاد آوری شده و تقاضا می شود تا اندک زمان مانده به انقضای امتیاز خلیل خیاط پایان نیافته، این بحث در هیئت دولت به جهت اتخاذ تصمیمات فوری و جدی مطرح گردد. پاسخ وزیر مالیه که در حاشیه نامه رئیس "اداره تشخیص کل عایدات" قید شده است، حکایت از انفعال کامل دستگاه دولت ایران در مقابل خلیل خیاط می باشد: "مجدداً هم در هیئت وزراء عظام مطرح مذاکره واقع شد، تصمیمی اتخاذ نفرمودند به علاوه مسیو مرنارد در زمان خزانه داری کل نوشته داده است در این صورت چه می توان کرد." (همانجا، سند ۱۶ حمل ۱۲۹۸)

در ۲۳ شعبان ۱۳۳۷/۲۴/۱۹۱۹ وزارت خارجه، ایران خبر می دهد، "از طرف دولت مصر رسماً اعلام شده است که تجارت تنباکو از اول ماه ژوئیه (۱۹۱۹) آزاد خواهد بود." (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱-۲-۶۰-۱۳۳۷ق، سند: ۳۳۳۵/۱۵۰۷) به این ترتیب نگرانی دولت مردان ایرانی از بابت از دست دادن بازار مصرف تنباکوی مصر بر طرف گردید.

فسخ قرارداد دولت ایران با خلیل خیاط براساس گزارش سندی که مربوط به ۲۷ ذیقعه ۱۳۳۷ (۲۵ اوت ۱۹۱۹/۳ شهریور ۱۲۹۸) است به طور قطعی صورت گرفته است (سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۸۳۳/۲۴۰۰/۲۱۲/۲۱۳، سند ۱۸۱۳۳/۴/۹۸) اما جریان شکایت نمایندگی ایران در مصر از نامبرده در محاکم اسکندریه جریان دارد.

گزارش ۵ جمادی الاول ۱۳۳۸ (۲۶ ژانویه ۱۹۲۰/۷ بهمن ۱۲۹۸) مشیر حضور از مصر آخرین گزارش و سندی است که از اسناد مربوط به پرونده‌ی رژی مصر باقی مانده است. براساس گزارش فوق، مشیر حضور مسئولیت هدایت دعوای ایران بر علیه خلیل خیاط در "محکمه مختلطه اسکندریه" را به وکیل جدیدی بنام لیبسون (Lebsohn) واگذار نمود. آن چه که در ارتباط با سرنوشت دعوای مورد بحث در این گزارش آمده، معلوم می‌دارد که "محکمه مختلطه اسکندریه در جلسه ۲۴ ژانویه مقرر داشته است" به دعوای دولت ایران بر علیه "شرکت تنباکو در روز ۲۸ فوریه رسیدگی نماید." (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۱۶/۳۶۰۰۷۵۵۱ ج ۱ آو، سند: نمره ۶۱۷)

نگارنده امیدوار است ادامه‌ی اسناد مربوط به اقامه‌ی دعوای دولت ایران بر علیه خلیل خیاط در محاکم اسکندریه پیدا شده تا بدین وسیله تاریخچه‌ی تجارت تنباکوی ایران با کشور مصر که بیشتر ماهیت دعوایی داشته است، کامل گردد. بنابراین در حال حاضر نمی‌توان به این پرسش پاسخ داد، آیا خلیل خیاط در دادگاه یادشده محکوم به پرداخت طلب دولت ایران شده است یا نه.

### نتیجه گیری

تاریخچه تجارت تنباکوی ایران با مصر در تمام مدت بیست و دو سال امتیاز خلیل خیاط توأم با مبارزه طرفین با یکدیگر بوده و از ادای حق دولت ایران خودداری می‌کرده است. عمده ترین بهره از تجارت تنباکوی ایران را، تجار خارجی و دو دولت عثمانی و مصر می‌برده اند و سهم دولت ایران به‌طور غیر قابل باوری از این در آمد ناچیز بوده است. در متن مقاله‌ی حاضر سهم دولت مصر از تجارت تنباکوی ایران بررسی شد. در آن جا نشان دادیم، که در آمد دولت مصر ۲۲ برابر بیشتر از در آمد دولت ایران از بابت این تجارت بوده است. در اینجا نیز ضروری است مقایسه ای میان در آمد دولت عثمانی و دولت ایران از صادرات تنباکوی ایران به این کشور صورت گیرد، تا میزان ناکارآمدی دولت ایران در صیانت از منابع خود روشن گردد. قرارداد انحصار صادرات تنباکوی ایران به کشور عثمانی در سال ۱۸۹۲ با شرکت تنباکو در اسلامبول منعقد شد. (Rudi Matthee P.235)



علی نقی مستشارالسلطان کمیسر رژی اسلامبول در اصفهان در ۲۲ شوال ۱۳۲۸ برای وزارت خارجه ایران گزارشی از عملکرد شرکت تنباکو تهیه کرده است که در آن به درآمد دولت عثمانی از قبیل واردات تنباکو ایران اشاره نموده است. براساس این گزارش دولت عثمانی در زمانی که تنباکوی ایران به طور آزاد به این کشور وارد می شده است، سالیانه ۸۳۰۰۰ لیره از این تجارت در آمد داشته است و با شرط اینکه شرکت تنباکوی اسلامبول ۴۰۰۰۰ لیره در سال بر آن اضافه نماید با امتیاز انحصار این شرکت در کشور عثمانی موافقت خواهد کرد. به این ترتیب حقوق دولت عثمانی از بابت اعطای امتیاز فوق سالیانه بالغ بر ۱۲۳۰۰۰ لیره می شده است. (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱۹/۳۶۰۰۰۳۷۱۹/۴/۱۰۴/۱ و ۱، سند: ۲ شوال ۱۳۲۸، ص ۱)

شرکت تنباکوی اسلامبول براساس قرارداد ۱۸۹۲ ابتدا برای مدت چهار سال، سالیانه ۱۳۰۰۰ لیره به دولت ایران می پرداخت، سپس بهانه تراشی کرده و از پرداخت مبلغ فوق خودداری نمود و سرانجام از طریق انعقاد یک قرارداد ضمیمه، "قراردادند به هر کیلو تنباکو که از ایران به ممالک عثمانی حمل می شود انجمن تنباکو ده پاره طلا بدهد." (همانجا، همان سند، ص ۱) این نوع امتیاز گیری رژی عثمانی از دولت ایران الگویی شد برای خلیل خیاط، چیزی که موضوع بررسی و تحقیق در مقاله‌ی حاضر است.

در آمد دولت ایران از مجموع تجارت تنباکو به مصر و عثمانی آنقدر ناچیز بود که حتی پاسخگوی هزینه های جاری سفارت ایران در اسلامبول نبود. گزارش میرزا رضا ارفع الدوله سفیر کبیر ایران به تهران در تاریخ ۱۵ شعبان ۱۳۲۰ مؤید این حقیقت است:

"از رژی مصر تا حال ششصد و پنجاه و پنج (۶۵۵) لیره و از رژی اسلامبول چهار صد و سه (۴۰۳) لیره به بنده رسیده از این دو فقره تنخواه بعد از وضع صورت حساب ملفوفه پانصد لیره و کسری نزد بنده می ماند در مقابل آن هم همه روزه تلگرافات لازمه است که به طهران می شود باید پول نقد داد و بعد از چند روز دیگر باید هزار فرانک پول بیمه ی سفارت داده شود و هر دفعه چا پارها که عزیمت می نمایند، باید سی و دو لیره مخارج داده شود." (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۷-۲۰-۲۵-۱۳۲۰ق، سند: نمره ۲۷۱)

با وجود اینکه همه درآمد حاصل از رژی مصر و اسلامبول، در سفارت ایران در اسلامبول صرف شده است، سفیر باز عاجزانه از وزارت خارجه استدعا دارد "چون مقرری به تأخیر افتاده است استدعا دارم همت فرموده زودتر آنرا تحصیل و حواله فرمایند که رفع تنگدستی و معطلی بشود." (همانجا، همان سند)

به این ترتیب دولت ایران با عملکرد ضعیف خود، نه تنها خود را در مضیقه مالی قرار می داد بلکه از این رهگذر موجب زیان های غیر قابل جبران به کشاورزان و تجار ایرانی می شد. گزارش کله از اسلامبول درباره ی تجار ایرانی که از انحصار تنباکو به وسیله عثمانی زیان دیده اند بسیار قابل ملاحظه است: "از قراری که بنده فهمیده ام انحصار تنباکو مقدار زیادی از اتباع ایران را که در خاک عثمانی از این ممر معاش می نموده اند مفلوک ساخته و وضع آنها تا مدتی اسباب تأسف و تألم دیگران گردیده بود." (سازمان اسناد ملی ایران ۱۹۳۷/۳۶۰۰۰۴/۱۰۴، سند: سیم، اوت ۱۹۱۰، نمره ۳۹۸۹)

سرگذشت تنباکوی ایران در این دوران که به قول علی محمد اویسی از حوادث "اسف آور مالیه دولت علیه" ایران بود (همانجا، ۱۸۸۳۳/۲۴۰۰۱۸۸۳۳/۲۱۲/۲۴۰۰۱۸۸۳۳، سند: ۲۶، ربیع الاول ۱۳۳۶، نمره ۱۵) نمونه قابل تعمیمی است به همه امتیازاتی که به طور عمده در دوران پادشاهی ناصرالدین شاه یا به دولت های بیگانه و یا به شهروندان آنان واگذار گردید.

## منابع

### اسناد منتشر نشده

الف: سازمان اسناد ملی ایران

- ۱- سازمان اسناد ملی ایران ۸۷۷۰/۳۶۰۰۰۸۷۷۰/۷۵۰/۳۶۰۰۰۸۷۷۰، سند: ۱۹، مارس ۱۹۰۳
- ۲- سازمان اسناد ملی ایران ۱۳۵۵۱/۳۰۲/۲۴۰۰۱۳۵۵۱/۳۰۲/۲۴۰۰۱۳۵۵۱، سند: ضمیمه قرارداد ۴ ربیع الاول ۱۳۱۰ میان دولت ایران و انجمن تنباکو اسلامبول
- ۳- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۱۵۹/۵۰۷/۲۴۰۰۱۸۱۵۹/۵۰۷/۲۴۰۰۱۸۱۵۹، سند: 29.1.1908
- ۴- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۱۵۹/۵۰۷/۲۴۰۰۱۸۱۵۹/۵۰۷/۲۴۰۰۱۸۱۵۹، سند: ۹ محرم ۱۳۲۶، نمره ۳۹۳

- ۵- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۱۵۹/۲۴۰۰/۵۰۷-۱۳۳۱هـ.ق، سند: 16.2.1908
- ۶- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۱۵۹/۲۴۰۰/۵۰۷-۱۳۳۱هـ.ق، سند: ۱۱ صفر ۱۳۲۹ نمره ۶۵۷
- ۷- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۱۵۹/۲۴۰۰/۵۰۷-۱۳۳۱هـ.ق، سند: نمره ۷۸۰
- ۸- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۱۵۹/۲۴۰۰/۵۰۷-۱۳۳۱هـ.ق، سند: 1.4.1908
- ۹- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: ۲۰ محرم ۱۳۲۹، نمره ۲۱۵۴۹
- ۱۰- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: ۲۶ مارس ۱۹۱۱، نمره ۸۰
- ۱۱- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: ۲۳ محرم ۱۳۲۹
- ۱۲- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: ۲۹ محرم ۱۳۲۹، نمره ۱۰۴۳/۱۳۷۰
- ۱۳- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: ۴ صفر ۱۳۲۹، نمره ۲۲۵۹۵
- ۱۴- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: ۱۶ صفر ۱۳۲۹، نمره ۲۳۵۷/۱۵۴۰
- ۱۵- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: ۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۹، نمره ۳۲۰۹/۱۶۵۷
- ۱۶- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۲۹، نمره ۲۰۶ و ۲۰۸
- ۱۷- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۹، نمره ۵۴۸۲
- ۱۸- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۹، نمره ۲۶۸۸
- ۱۹- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: ۲۰ اوت ۱۹۱۱-۲۵ شعبان ۱۳۲۹، نمره ۴۶۳۱
- ۲۰- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: ۸ رمضان ۱۳۲۹، نمره ۱۹۵۳۷/۱۱۴۱
- ۲۱- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: - ذیقعه ۱۳۲۹، نمره ۲۲۷۷
- ۲۲- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: ۱۷ رمضان ۱۳۲۹، نمره ۱۳۰۷
- ۲۳- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: - ۲۱ ذیقعه ۱۳۲۹، نمره ۱۶
- ۲۴- سازمان اسناد ملی ایران ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰/۷۵۰-ج۴و، سند: ۱۳ جدی ۱۳۲۹، نمره ۶۷، ص ۳
- ۲۵- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۸۳۳/۲۴۰۰/۲۱۲-ی۳۱، سند: ۲۶ ربیع الاول ۱۳۳۶، نمره ۱۵

- ۲۶- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۸۳۳/۲۴۰۰/۲۱۲/۲۴۳ی، سند: طهران ۳۰ مارس ۱۹۱۳
- ۲۷- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۸۳۳/۲۴۰۰/۲۱۲/۲۴۳ی، سند: ۱۵ ذیقعه ۱۳۳۶، نمره ۲۸۵
- ۲۸- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۸۳۳/۳۶۰۰/۱۱۶/۳۶۰۰، سند: نمره ۶۱۷
- ۲۹- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۸۳۳/۲۴۰۰/۲۱۲/۲۴۳ی، سند: ۶ ربیع الاول/۱۹ قوس ۱۳۳۷، نمره ۲۶
- ۳۰- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۸۳۳/۲۴۰۰/۲۱۲/۲۴۳ی، سند: ۲۸ جدی ۱۳۳۷، نمره ۱۱۹۹
- ۳۱- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۸۳۳/۲۴۰۰/۲۱۲/۲۴۳ی، سند: ۱۶ حمل ۱۲۹۸
- ۳۲- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۸۳۳/۲۴۰۰/۲۱۲/۲۴۳ی، سند: 27 Zighede 1337، نمره ۹۸/۶/۴/۱۸۱۳۳
- ۳۳- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۸۳۳/۳۶۰۰/۱۱۶/۳۶۰۰، سند: ۵ جمادی الاول ۱۳۳۸، نمره ۶۱۷
- ۳۴- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۸۳۳/۳۶۰۰/۱۰۴/۳۶۰۰، سند: ۲ شوال ۱۳۲۸
- ۳۵- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۸۳۳/۳۶۰۰/۱۰۴/۳۶۰۰، سند: سیم اوت ۱۹۱۰، نمره ۳۹۸۹

ب: مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران

- ۱- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۸-۱-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق
- ۲- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۴۸-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق، سند: ۴ ربیع الثاني ۱۳۲۰، نمره ۶۸
- ۳- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۵-۹-۲۹-۱۳۲۴ق، سند: ۴ جمادی الاول ۱۳۲۴
- ۴- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۷-۷-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: نمره ۲
- ۵- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۵-۹-۲۹-۱۳۲۴ق، سند: ۴ جمادی الاول ۱۳۲۴، نمره ۱۰۴
- ۶- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۱-۸-۲۹-۱۳۲۴ق، سند: ۲ جمادی الثاني ۱۳۲۴، نمره ۱۱۵
- ۷- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۴-۲-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: ۲۶ مارس ۱۹۰۸
- ۸- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۱۷-۲-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: ۲۲ آوریل ۱۹۰۸
- ۹- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۴-۲-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: ۲۶ مارس ۱۹۰۸
- ۱۰- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۱۶-۲-۷۹-۱۳۲۶ق
- ۱۱- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۱۵-۲-۷۹-۱۳۲۶ق

- ۱۲- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۹-۲-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: ۹ آوریل ۱۹۰۸
- ۱۳- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۳۲-۷-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: ۲۴ رمضان ۱۳۲۶، نمره ۱
- ۱۴- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۳۱-۷-۷۹-۱۳۲۶ق
- ۱۵- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۵-۷-۷۹-۱۳۲۶ق
- ۱۶- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۶-۷-۷۹-۱۳۲۶ق
- ۱۷- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۱-۷-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: نمره ۸
- ۱۸- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۳۴-۷-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: نمره ۱۰۴
- ۱۹- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۳۳-۷-۷۹-۱۳۲۶ق
- ۲۰- مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱-۲-۶۰-۱۳۳۷ق، سند: ۳۳۳۵/۱۵۰۷
- ۲۱- مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۷-۲۰-۲۵-۱۳۲۰ق، سند: نمره ۲۷۱

### کتاب

- بامداد، مهدی، (۱۳۷۱) شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۱ و ۴، تهران، زوار.
- شیبانی، میرزا ابراهیم، (۱۳۶۶) منتخب التواریخ، زیر نظر ایرج افشار، تهران، انتشارات محمد علی علمی.
- علوی، سید ابوالحسن، (۱۳۶۳) رجال عصر مشروطیت، به کوشش حبیب یغمائی-ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- لیتن، ویلهلم، (۱۳۶۷) ایران از نفوذ مسالت آمیز تا تحت الحمایگی (۱۹۱۹-۱۸۶۰)، ترجمه دکتر مریم میر احمدی، تهران: انتشارات معین.
- ممتحن الدوله شقاقی، میرزا مهدی خان و میرزا هاشم خان، (۱۳۶۵) رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- ناطق، هما، (۱۳۷۳) بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو (بر پایه آرشیو امین الضرب)، تهران، توس.

نوائی، عبدالحسین، (۲۵۳۵ شاهنشاهی) *دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم*، تهران: انتشارات بایک.

Mathee, Rudi. (2005) *The pursuit of pleasure: drugs and stimulants in Iranian history, 1500-1900*, New Jersey.

### نشریات

- ۱- روزنامه پرورش، به مدیریت میرزا علی محمد خان کاشانی، چاپ مصر
- ۲- روزنامه ثریا، به مدیریت میرزا علی محمد خان کاشانی و سید فرج الله خان کاشانی، چاپ مصر.
- ۳- روزنامه چهره نما به مدیریت عبدالمحمد مؤدب زاده (مؤدب السلطان)، چاپ مصر، از سال اول، شماره ۱ (محرم ۱۳۲۲/۱۵ آوریل ۱۹۰۴) تا سال پانزدهم، شماره ۵۷ (غره ذی الحجه ۱۳۳۶/۷ سپتامبر ۱۹۱۸)
- ۴- مذاکرات مجلس شورای ملی در دوره دوم،
- ۵- مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سوم، ۱۷ محرم ۱۳۳۳ تا ۲۵ ذی الحجه ۱۳۳۳، (تهران: اداره روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۸)
- ۶- مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ج ۱، ۱۵ شوال ۱۳۳۹ تا ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۴۰، (تهران: اداره روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۳۰)
- ۷- مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ج ۲، ۲۷ دلو ۱۳۰۰/۱۸ جمادی الثانی ۱۳۴۰ تا ۲۳ اسد ۱۳۰۱/۲۱ ذی الحجه ۱۳۴۰، (تهران: اداره روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۳۰)
- ۸- مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ج ۳، ۲۵ اسد ۱۳۰۱/۲۳ ذی الحجه ۱۳۴۰ تا ۲۳ جوزا ۱۳۰۲/۷ ذی القعدة ۱۳۴۱، (تهران: اداره روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۸)